

دفترچه شماره ۳

آزمون شماره ۱۳

جمعه ۹۸/۰۹/۲۹



آزمون‌های سراسر گاج

کتابخانه در دسترس را انتخاب کنید

سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸

پاسخ‌های تشریحی

پایه دوازدهم انسانی

دوره دوم متوسطه

نام و نام خانوادگی:	شماره داوطلبی:
تعداد سوالاتی که باید پاسخ دهید: ۲۸۰	مدت پاسخگویی: ۲۶۵ دقیقه

عناوین مواد امتحانی آزمون گروه آزمایشی علوم انسانی، تعداد سؤالات و مدت پاسخگویی

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سوال		مدت پاسخگویی
		از	تا	
۱	فارسی	۲۵	۲۵	۱۸ دقیقه
۲	زبان عربی (عمومی)	۲۵	۵۰	۲۰ دقیقه
۳	دین و زندگی	۲۵	۵۱	۱۷ دقیقه
۴	زبان انگلیسی	۲۵	۷۶	۲۰ دقیقه
۵	ریاضیات	ریاضی و آمار ۳	۱۵	۱۱۵
		ریاضی و آمار ۱	۱۰	۱۱۶
		ریاضی و آمار ۲	۱۰	۱۲۶
۶	اقتصاد	۱۰	۱۳۶	۱۰ دقیقه
۷	علوم و فنون ادبی	علوم و فنون ادبی ۳	۱۵	۱۴۶
		علوم و فنون ادبی ۱	۱۰	۱۶۱
		علوم و فنون ادبی ۲	۱۰	۱۷۱
۸	زبان عربی (اختصاصی)	۱۰	۱۸۱	۱۰ دقیقه
۹	تاریخ	تاریخ ۳	۱۰	۱۹۱
		تاریخ ۱	۱۰	۲۱۰
		تاریخ ۲	۱۰	۲۱۱
۱۰	جغرافیا	جغرافیای ایران ۳	۱۰	۲۲۱
		جغرافیای ایران ۲	۱۰	۲۴۱
۱۱	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی ۳	۱۰	۲۵۱
		جامعه‌شناسی ۱	۱۰	۲۶۱
		جامعه‌شناسی ۲	۱۰	۲۷۱
۱۲	فلسفه و منطق	فلسفه ۲	۱۰	۲۸۱
		منطق	۱۰	۲۹۱
۱۳	فلسفه یازدهم	۱۰	۳۰۱	۳۰ دقیقه
۱۳	روان‌شناسی	۱۰	۳۱۱	۱۰ دقیقه



فارسی

۱۰) وبال هیچ دامان: صفت مضاف‌الیه (۱ مورد)

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) کمین جذبه خورشید: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / جذبه خورشید تالیان: صفت مضاف‌الیه (۲ مورد)
- (۲) تلاش مسند عزت: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / سایه بال همه: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (۲ مورد)
- (۳) گردش چشم: مضاف‌الیه مضاف‌الیه / بی‌قرار چشم تو: مضاف‌الیه مضاف‌الیه (۲ مورد)

۱۱) در این گزینه دو بار نقش مسندی دیده می‌شود:

حلقه در از درون خانه بی‌خیر باشد.

نوار مسند فعل

ما دیده‌های باز را مسدود می‌دانیم.

نوار مفعول مسند فعل

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) مست شور محشر را فسانه می‌شمرد.

نوار مفعول مسند فعل

(۲) گل عمر خود از خنده بسیار کوتاه کرد.

نوار مفعول مسند فعل

(۳) [تو] منعم را سفیه انگار.

نوار مفعول مسند فعل

۱۲) جناس تام (بیت «ه»): که (چه کسی)، که (حرف ربط)

استعاره (بیت «الف»): جولان کف (اضافه استعاری) / سینۀ دریا (اضافه استعاری)

حسن آمیزی (بیت «د»): زهر دشنام

تلمیح (بیت «ب»): گلستان شدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع)

ایهام تناسب (بیت «ج»): شور: ۱- هیجان ۲- تمکین (متناسب با نمکدان و ملاحظت)

۱۳) ایهام: —

پارادوکس: لباس دانستن عربانی

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) استعاره: جان‌بخشی به شمع و پسته / حسن تعلیل: دلیل روشنی دیده شمع اشک ریختن و دلیل سرخی دهان پسته، خون دلی است که در اثر خندان شدن بی‌جا نصیب او شده است.

(۲) جناس ناقص: شست، دست / کنایه: دست شستن کنایه از رها کردن، صرف نظر کردن و قطع تعلق / گران‌جانی کنایه از پستی و فرومایگی

(۳) تشخیص: جان‌بخشی به آینه / مراعات نظیر: رو، چشم / دیدن، چشم، آینه

۱۴) ۱) استعاره: نوگل: استعاره از معشوق، خار: استعاره از عیب / لعل: استعاره از لب معشوق / گهر: استعاره از سخن معشوق / جان‌بخشی به باد صبا تشخیص و استعاره است.

تناسب: برگ، نوگل، خار / لعل، گهر

تشبیه: آتش عشق (اضافه تشبیهی): تشبیه عشق به آتش

تشخیص: مورد خطاب قرار گرفتن باد صبا و جان‌بخشی به آن.

تضاد: نوگل ≠ خار

۱۵) ۱) تلمیح (بیت «ه»): اشاره به داستان بیستون‌کنند فرهاد

استعاره (بیت «الف»): جان‌بخشی به سپهر، تشخیص و استعاره است. / ناخن اندیشه (اضافه استعاری)

ایهام تناسب (بیت «ب»): شیرین: ۱- گونه‌های مزه ۲- معشوق فرهاد (متناسب با تیشه)

۱) ۳) معنی درست واژه‌ها: پالیز: باغ، گلزار، کشتزار / سرسام: ورم مغز، سرگیجه و پریشانی، هذیان / سامان: درخو، میسر، امکان / دمساز: مونس، همراز، دردآشنا / آوند: آونگ، آویزان، آویخته

۲) ۱) معنی درست واژه‌ها: شاب: برنا، جوان / لاف: پارچه و کاغذی که بر چیزی بیچند. / ضاحت: خوب‌رویی و سفیدی‌رنگ انسان، زیبایی / آماس: ورم، تورم، آماس کردن: گنجایش پیدا کردن، متورم شدن / وقعت: رقع، نامه کوتاه / زنده‌دان: چانه

۲) ۲) معنی درست واژه‌ها:

(۱) سرپَر زدن: توقف کوتاه؛ هر گاه مرغی از او، یک لحظه بر زمین نشیند و دوباره برخیزد، این توقف کوتاه را «سرپَر زدن» می‌گویند.

(۳) گرز: ویژگی نوعی مار سمی و خطرناک

(۴) مناسک: جمع مُنِسک یا مُنَسک، جاهای عبادت حاجیان، مجازاً آداب، آیین‌ها و مراسم

۳) ۴) املاي درست واژه در سایر ابیات: (ب) مستوران / (ج) ظن /

(ه) سور / (و) فراغ

۲) ۵) املاي درست واژه‌ها:

حلاوت: شیرینی

حمیت: غیرت، جوان‌مردی، مردانگی

زایل شدن: نابود شدن، برطرف شدن

۳) ۶) املاي درست واژه در عبارات: (الف) خاست (ب) اصرار /

(ج) گزارد

۲) ۷) بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ترتیب اوراق من: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۳) جنبش مؤگان او: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۴) جواب آن غزل: صفت مضاف‌الیه

۴) ۸) (ز) آن کس که ز سودای چشم تو کشته گشت.

نوار فعل مجهول

در سایر بیت‌ها، ساختارهایی غلط‌انداز، شبیه به فعل مجهول وجود دارند که با هم بررسی می‌کنیم:

بررسی سایر ابیات:

(الف) نفس سوخته: صفت / آمد: فعل معلوم

(ب) خنده: متمم / شود: فعل استنادی معلوم

(ج) نگردند: فعل معلوم / کشته شدن: مصدر

(د) نفس‌گسسته: مسند / آید: فعل معلوم

(ه) بیچیده: صفت / حشر شود: فعل معلوم

(و) درپسته: صفت / شد: فعل استنادی معلوم

۴) ۹) بررسی معنی در ابیات:

(الف) یک نفس جان /

(ج) یک جهان فضل و هنر /

(د) یک دریا شراب /

(ه) صد دشت آغوش /

(و) یک زمین و آسمان دور /

(ز) یک دو ساغر اشک / چند عالم بیقراری



تشبیه (بیت «د»): بوته اندیشه (اضافه تشبیهی)

کنایه (بیت «و»): حلقه در گوش کشیدن کنایه از طمع شدن

۱۶ نام درست پدیدآورندگان آثار:

روزها: محمدعلی اسلامی ندوشن

فرهاد و شیرین: وحشی بافقی

از یاریز تا پاریس: محمدابراهیم باستانی یاریزی

فی حقیقه العشق: شهاب‌الدین سهروردی

بهارستان: جامی

قصه شیرین فرهاد: احمد عربلو

تحفة الاحراز: جامی

تمهیدات: عین‌القضات همدانی

۱۷ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۲): بی‌اعتباری امتیازات

دنیوی در عشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) ستایش خاکساری / فروتنی مجال یک‌رنگی است.

(۲) بی‌اعتباری امتیازات دنیوی در نظر دربادلان

(۳) ستایش پاک‌ی و پاک‌دامنی

۱۸ مفهوم گزینه (۳): عشق پنهان‌کردنی نیست. / افشاگری عشق

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: هر کسی محرم راز عشق نیست.

۱۹ مفهوم ابیات سؤال: نکوهش تقلید

مفهوم مقابل در گزینه (۴): ستایش تقلید

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) برتری عشق بر عقل / نکوهش تقلید

(۲) ناکارآمدی تقلید و نکوهش آن

(۳) نکوهش شخص بی‌خبر از عشق / نکوهش تظاهر و تقلید

۲۰ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): خودحسابی و

آخرت‌اندیشی

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) دردمندی در دنیا موجب آسودگی در آخرت است.

(۲) گذر سریع عمر و ناپایداری دنیا

(۳) آسودگی ثروتمندان از رنج روزگار

۲۱ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۲): از خود بی‌خودی

عاشق هنگام وصال

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) سرافتندگی در جمع عاشقان / خودآتهامی

(۲) غم هجران موجب آشفتنگی است. / تقابل عشق و عقل

(۴) ناتوانی همگان از درک حقیقت

۲۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه (۳): پسندیده بودن

هم‌نشینی حتی با بی‌خبران از عشق

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) توصیه به نفي وجود مادی

(۲) شدیدی بازدارنده تقدیر است. / تقدیرگرایی

(۴) توصیه به بخشندگی

۲۳ مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه (۴): عشق زندگی‌بخش

است.

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) توصیه به خوش‌باشی

(۲) بی‌تأثیر بودن عشق در دل انسان بی‌خبر / هر کسی ایاقبت و ظرفیت درک

عشق را ندارد.

(۳) نکوهش تنهایی و بی‌بهره ماندن از همراهان

۲۴ مفهوم مشترک آیه شریفه و سایر گزینه‌ها: ستایش سازگاری و مدارا

مفهوم مقابل در گزینه (۳): نکوهش سازگاری و مدارا

۲۵ مفهوم مشترک ابیات گزینه (۲): پاک‌بازی و جان‌فشانی عاشقانه

مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) بیت اول: بی‌توجهی به زبان ظاهری در آیین جوان‌مردی / نکوهش منفعت‌طلبی

بیت دوم: وارونگی ارزش‌ها و جایگاه‌ها، دردآور است.

(۳) بیت اول: قناعت، درمان آرزومندی و طمع‌کاری است. / ستایش قناعت‌ورزی

بیت دوم: طلب آرزوش از خداوند و عذر آوردن به دلیل ناتوانی در

خویشترن‌داری، هنگام فراهم بودن شرایط ارتکاب گناه

(۴) بیت اول: باور به زندگی پس از مرگ

بیت دوم: آزادگی

زبان عربی (عمومی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا تعریب یا مفهوم مشخص کن

(۳۵ - ۲۶):

۲۶ ترجمه کلمات مهم: قَدْ أَفْلَحَ: بی‌گمان (به راستی) رستگار

شدند (فعل ماضی، باب «افعال») / الَّذِينَ: کسانی که، آنان که / صَلَاتِهِمْ:

نمازشان / خَاشِعُونَ: فروتن‌اند

اشتیباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) «أَفْلَحَ» فعل ماضی است نه اسم تفضیل.

(۳) «خَاشِعُونَ» اسم است نه فعل، ضمناً در این جا «المؤمنون» بهتر است

«مؤمنان» ترجمه شود نه «مؤمنانی»، عدم ترجمه «هم»

(۴) «رستگاران هستند» ترجمه «هم المُفْلِحُونَ» است نه «أَفْلَحَ»، «چه»

معادلی ندارد، «خاشعون» بهتر است مفرد ترجمه شود: فروتن‌اند، «نمازها»

باید مفرد باشد.

۲۷ ترجمه کلمات مهم: لَا فَخْرَ لِلنَّسَبِ: هیچ افتخاری برای

دودمان نیست / و إِنَّمَا: و فقط / يَكْتَسِبُهُمْ: آن‌ها را به دست می‌آورد / طُولُ

حیاتیه: در طول زندگی‌اش

اشتیباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) «إِنَّمَا: فقط» ترجمه نشده است، ضمیر «ه» در «حیاتیه» و ضمیر «هما»

در «یکتسبهما» ترجمه نشده است.

(۲) «لاهی نفي جنس باید با «هیچ» ترجمه شود، ضمیر «ه» در «حیاتیه»

ترجمه نشده است، «يَكْتَسِبُ» مضارع است، «ادب» به صورت معرفه ترجمه

می‌شود.

(۳) «هیچ» در ترجمه «لاهی نفي جنس باید بیاید، «إِنَّمَا» ترجمه نشده است،

«يَكْتَسِبُ» مضارع است، «الأدب» باید معرفه ترجمه شود.



۲۸ ۴ قَدْ: (قبل از فعل مضارع) گاهی، به ندرت، بعضی وقت‌ها، شاید [ردگزینۀ (۲)]

تَفْتَشُ: جست‌وجو می‌شود (فعل مجهول) [رد سایر گزینه‌ها]
عین الحیاة: چشمه زندگی [ردگزینۀ (۳)]

الظلمات: تاریکی‌ها [ردگزینۀ (۳)]
لا تَمْرُزْ: تلخ نکن [ردگزینۀ (۲)]

عیشی: زندگی من [ردگزینۀ (۳)]

و أَنْتَ حَامِلٌ شَهِيدٍ: در حالی‌که تو حمل‌کنندهٔ غسل هستی [رد سایر گزینه‌ها]

۲۹ ۳ ترجمهٔ کلمات مهم: وَاَصْلُ نَوْبِلٍ عَمَلَةٌ: نوبل کار خود را ادامه داد / ذُووْبَا: با پشتکار / حَتَّى اسْتَطَاعَ: تا این‌که توانست / اُنْ يَخْتَرَعُ: اختراع کند / تَسَهَّلَ: آسان می‌سازد / اَعْمَالُ الْاِنْسَانِ الصَّعِيَّةُ: کارهای سخت انسان را

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) قسمت اول اصلاً مطابق با متن نیست، «ذُووْبَا» حال است، «حَتَّى» ترجمه نشده است، «برای» معادل ندارد، «الإنسان» مضاف‌الیه «اعمال» است، «تسهَّل» باید مضارع ترجمه شود.

(۲) «اسْتَطَاعَ» ماضی است نه مضارع؛ تا این‌که توانست، «انسانی» غلط است، «اُنْ يَخْتَرَعُ»: که اختراع کند

(۴) «حَتَّى اسْتَطَاعَ» ترجمه نشده است، «باعث آسان شدن می‌شود» نادرست است، «انسانی» غلط است.

۳۰ ۲ ترجمهٔ کلمات مهم: كُلُّ التَّقْنِيَّاتِ: همهٔ تکنولوژی‌ها / لَهَا وَجْهٌ نَافِعٌ: یک روی سودمند دارند / وَجْهٌ مُفِيذٌ: یک روی ضرررسان / عَلَى الْاِنْسَانِ اُنْ يَتَبَيَّنُ: انسان باید دوری کند / يَأْتِي بِالشَّرِّ: بدی را (به همراه) می‌آورد

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) «كُلُّ» اگر بعدش اسم جمع بیاید، باید «همه» و به تبع آن «تکنولوژی» جمع ترجمه شود، «دو وجه» معادلی ندارد، قسمت دوم ترجمهٔ عبارت دیگری است.

(۳) «دو رو» معادلی ندارد، «نافع» و «مضر» نادرست ترجمه شده است، «یأتی بالشَّر» درست ترجمه نشده است.

(۴) «هر تکنولوژی» نادرست است، «دو وجه» معادلی ندارد، «به شدت» معادلی ندارد.

۳۱ ۴ ترجمهٔ کلمات مهم: كَأَنَّ هَذَا الْعَالَمَ يَغْشَى: این دانشمند می‌ترسد / اُنْ تَشْتَعِدُّ: که مورد استفاده قرار گیرد / اِخْتَرَعَهَا: اختراع کرده (با)

توجه به «كَانَ» در اوّل جمله) / الْقِتَالُ: جنگ، نبرد / بَيْنَ الشُّعُوبِ: میان ملت‌ها

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

(۱) «ترس این دانشمند...» کاملاً غلط است، «الِقِتَالُ» مفرد است نه جمع، «اختراع کرده است» صحیح نیست.

(۲) «این» دوم نادرست است و معادلی ندارد، «الِقِتَالُ: جنگ، نبرد» نه «قتل‌ها»، «اختراع کرده است» صحیح نیست.

(۳) «كَانَ يَغْشَى» معادل ماضی استمراری است نه بعید، «قتل‌ها» نادرست است، «اختراع کرده است» صحیح نیست، عبارت آخر صحیح معنی نشده است.

۳۲ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۲) «فَرِحَ» حال است نه صفت ← دانش‌آموز را خوشحال دیدم!

(۳) ضمیر «ه» در «تَجَاوَهَ» ترجمه نشده است، «واو» حالیه بهتر است به صورت «در حالی‌که» ترجمه شود. ← در حالی‌که به ... اطمینان داشت.

(۴) «كَانَتْ تُسَاعِدُ»: کمک می‌کرد، «مُتَعَبًا» (مدت‌گر) حال برای «أَب» است نه «أُم»، «عدم ترجمهٔ «فی اعماله»

۳۳ ۲ «لَا تَحْمِلُوا» صيغةٌ «للمخاطبين» است و باید جمع ترجمه شود ← تحمیل نکنید، «لا»ی نفی جنس باید به صورت «هیچ» ترجمه شود.

۳۴ ۲ «مهندسان» معرفه است [ردگزینۀ‌های (۱) و (۴)]، «کارخانه‌ها» معرفه است. [ردگزینۀ (۲)]، ضمناً درگزینۀ (۴) خبر مرفوع است:

«و هم مُجَدِّون»، درگزینۀ (۱) نیز «مجدّون» به عنوان حال باید منصوب باشد: «مُجَدِّون»

۳۵ ۲ ترجمهٔ عبارت سؤال: «هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست!» آن‌چه را با مفهوم عبارت تناسب دارد، مشخص کن:

تأکید عبارت بر روی سلامتی و «تندرستی» است؛ که درگزینۀ (۲) به آن اشاره شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) در این بیت، تأکید بر این است که «شرافت آدمی به شخصیت و اخلاق اوست نه لباس‌های زیبا»، بنابراین ارتباطی با سؤال ندارد.

(۳) در این بیت هم تأکید بر روی «داشتن سیرت زیبا» است و به سلامتی اشاره ندارد.

(۴) پیام‌گزینۀ (۴) این است که چهرهٔ زیبا بهتر از هزار لباس گران‌قیمت و زیباست.

■ متن زیر را با دقت بخوان سپس متناسب با آن به سوالات پاسخ بده (۴۲-۳۶):

در عصر کنونی ما بسیاری از مردم از چاقی (اضافهٔ وزن) رنج می‌برند. برای این بیماری چند علت وجود دارد؛ از جمله وراثت و خوردن مقادیر زیادی از غذا و کم بودن تحرک و فعالیت و مشکلات روانی. مردم برای رهایی از اضافهٔ وزنی که دارند به راه‌های متعددی متوسل می‌شوند بدون این‌که درستی آن‌ها و تأثیرشان را بر بدن‌هایشان درک کنند. باید بدانیم که وزن جایز نیست به یک‌باره پایین بیاید، چراکه وزن اگر به سرعت پایین بیاید به سرعت [هم] بالا می‌رود! گام‌هایی سالم برای کاهش دادن وزن وجود دارد؛ از جمله: انجام تمرین‌های ورزشی روزانه و خوردن سه وعدهٔ اصلی غذا در زمان‌های مشخص‌شان و عدم تأخیر در خوردن وعدهٔ غذا و هم‌چنین عدم مشاهدهٔ تلویزیون در حین خوردن غذا، به علاوهٔ خوردن سبزیجات و میوه‌ها!

۳۶ ۳ حقیقتی که پزشکان آن را مورد تأکید قرار می‌دهند، آن است که

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

(۱) مشاهدهٔ تلویزیون باعث افزایش وزن می‌شود! [دقت کنید، صرف دیدن تلویزیون باعث افزایش وزن نمی‌شود؛ دیدن تلویزیون در زمان خوردن باعث افزایش وزن می‌شود.]

(۲) هر کس ورزش را دوست دارد، دچار چاقی نخواهد شد! [دوست داشتن ورزش با ورزش کردن، تفاوت دارد!]

(۳) پایین آوردن وزن باید تدریجی باشد! [دقیقاً در متن هم بر این مورد تأکید شده است: «يَجِبُ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ الْوَزْنَ لَا يَنْجُو أَنْ يَنْزِلَ مَرَّةً وَاحِدَةً ...»]

(۴) خوردن غذاهایی که در آن‌ها چربی‌ها هست به سلامتی ضرر خواهد زد! [اولاً اصلاً حرفی از چربی نشده است؛ ثانیاً خوردن چربی، اندازهٔ زیادش قطعاً ضرر دارد نه مقدار کم آن!]



۳۷ [۴] [گزینۀ] درست را مشخص کن:

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) اضافه وزن از بیماری‌های خطرناکی است که انسان از زمان تولد به آن دچار می‌شود [چنین مطلبی نه در متن آمده است و نه در واقعیت درست است].
- (۲) اضافه وزن میان افرادی شایع است که به حرکت و فعالیت عادت کرده‌اند [طبیعتاً چنین نیست!]
- (۳) برای رهایی از اضافه وزن ما باید تنها به یک نظام غذایی درست تکیه کنیم [واژه «تنها» این گزاره را اشتباه کرده است].
- (۴) باید رهایی از اضافه وزن آهسته و سالم باشد! [کاملاً درست است].

۳۸ [۳] [گزینۀ] نادرست را مشخص کن:

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) خوردن سبزیجات احتمالاً به فرد چاق برای رهایی از اضافه وزنش کمک می‌کند [در متن و در آخرین قسمت به این مطلب اشاره می‌کند].
- (۲) پدیدهٔ چاقی به علت پیشرفت صنعتی در دوران کمونی زیاد شده است! [جملهٔ اول متن به این مورد اشاره دارد].
- (۳) شکی نیست که فرد چاق، چاقی را از پدر و مادر چاقش به ارث برده است! [ببینید این از نظر منطقی درست نیست؛ متن چندین علت را برای چاقی ذکر کرده است از جمله وراثت. اما این بدین معنا نیست که بگوییم یک شخص چاق حتماً علت چاقی‌اش وراثت است؛ شاید علت دیگری داشته باشد].
- (۴) ممکن است انسان غمگین و افسرده به اضافه وزن دچار شود! [یکی از علل چاقی که در متن به آن اشاره شده است، مشکلات روانی است که غم و افسردگی هم جزء آن است].

۳۹ [۲] اشتباه را مشخص کن:

ترجمه و بررسی گزینه‌ها:

- (۱) شاید آدمی هیچ نقشی در دچار شدنش به چاقی نداشته باشد! [درست است؛ با توجه به عامل وراثت]
- (۲) علت اصلی برای اضافه وزن کم بودن حرکت است! [«الأساسی» این گزاره را اشتباه کرده است].

(۳) انسان نباید زمان‌های خوردن را به تأخیر بیناندازد!

(۴) درمان چاقی عملیاتی است که نیازمند آگاهی و دانش است!

■ گزینهٔ درست را در اعراب و تحلیل صرفی مشخص کن (۴۲ - ۴۰):

۴۰ [۴] دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- (۱) «یَدْرِكُوا»، «لِلغَائِبِينَ» است نه «لِلغَائِبِينَ»، ضمناً معلوم است نه مجهول!
- (۲) «یَدْرِكُوا» مضارع است!
- (۳) این فعل معلوم است نه مجهول و بنابراین فاعل دارد نه نائب فاعل!

۴۱ [۱] دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- (۲) «يَنْزِلُ» معلوم است نه مجهول و بنابراین فاعلش محذوف نیست!
- (۳) «فاعله محذوف» نادرست است.
- (۴) «مزید ثلاثی» و مجهول نادرست است.

۴۲ [۳] دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- (۱) «الْمَحْدَدَةُ» مفرد مؤنث و اسم مفعول است.
- (۲) این اسم مفرد مؤنث و معرب است نه مبنی!
- (۴) «الْمَحْدَدَةُ» مؤنث و معرفه است.

■ گزینهٔ مناسب را در پاسخ به سوالات زیر مشخص کن (۵۰ - ۴۳):

۴۳ [۱] «مَوْضَلٌ» ← اسم فاعل درست است، ضمناً «الْكَهْرَبَاءُ» درست

است.

۴۴ [۲] «الْفَضْعُ: کارخانه» نادرست تعریف شده است: «مَكَانٌ تُضَعُّ

فیه الأشياءُ والبضائعُ»

۴۵ [۱] «الإعمار: ساختن، آباد کردن» با «التخریب: ویران کردن»

متضاد است.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

- (۱) این مادهٔ خطرناک ممکن است در ساختن و تخریب به کار برده شود!
- (۲) این دانشمندان احساس ناامیدی نکرد، بلکه کارش را با پشتکار ادامه داد تا موفق شد!
- (۳) این کشتزارها قابل کشت هستند، زیرا شرایط مناسبی دارند!
- (۴) محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا، کسی است که با کارهایی نیک به بشریت سود می‌رساند!

۴۶ [۲] مَكْرُمٌ: اسم مفعول از فعل «يَكْرُمُ» از باب «تَفْعِيل» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) المَرْسَلِينَ: اسم مفعول از باب «إفعال»
- (۳) مُنَزَّلٌ: اسم مفعول از باب «إفعال»
- (۴) المُنْكَرُ: اسم مفعول از باب «إفعال»

۴۷ [۴] وقتی از «تکمیل عبارت و رفع ابهام» سؤال می‌کنند باید دنبال

حرف مشابهه بالفعل «لکن» بگردیم که در گزینهٔ (۴) آمده‌است.

ترجمهٔ گزینه‌ها:

- (۱) بی‌گمان خداوند با مهربانی توبه را از بندگان می‌پذیرد!
- (۲) فهمیدم که موفقیت با تنبلی و بی‌حالی تناسب ندارد!
- (۳) ای کاش مظلومان در دنیا به حقوق خود برسند!
- (۴) همهٔ دوستانم را دعوت کردم، اما سعید حاضر نشد!

۴۸ [۱] ترجمه: هم‌کلاسی‌ام حامد را دیدم در حالی‌که او عکسی زیبا

می‌کشید!

بچه‌ها؛ یکی از مواردی که معنای ماضی استمراری دارد، این ساختار است: «فعل ماضی + جملهٔ حالیه با فعل مضارع». در گزینهٔ (۱) «تَرَسُمُ» معنای ماضی استمراری می‌دهد، در سایر گزینه‌ها فعلی که معنای ماضی استمراری بدهد، وجود ندارد.

۴۹ [۲] بررسی و ترجمهٔ گزینه‌ها:

(۱) «راضین» ← حال

ترجمه: این هموطنان در کشورشان با رضایت زندگی می‌کنند!

(۲) «حزینة» خبر «أصبحت» است نه حال.

ترجمه: نمی‌دانم چرا این روزها خواهرم غمگین شده است!

(۳) «مظلومین» ← حال

ترجمه: بسیاری از کودکان در جنگ‌ها مظلومانه کشته می‌شوند!

(۴) «هادئة» ← حال

ترجمه: دخترکم؛ زمانی‌که خانه را ترک می‌کنم، آرام بمان!

۵۰ [۴] «القلامة» به معنای «نشانه» است و بدون تشدید آمده و نباید

آن را با «علامة» اشتباه گرفت.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) عَفَّارٌ وَزَنٌ ← فَعَالٌ

(۲) أَمَّارَةٌ وَزَنٌ ← فَعَالَةٌ

(۳) الخنَّاسُ وَزَنٌ ← فَعَالٌ



دین و زندگی

۵۱ | ۲ در نهایه‌های برتر و شناخت هدف زندگی، انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است و چنین کسی در حقیقت «سرمایه وجودی خود» را از بین برده است و این آیه و حدیث به همین موضوع اشاره دارند.

۵۲ | ۱ تمام انبیا یک برنامه و هدف مشخص را دنبال و همه یکدیگر را تأیید کرده‌اند، بنابراین اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد، در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است و این موضوع در این آیه شریفه تجلی دارد.

۵۳ | ۱ وقتی حضرت زینب (س) در شام در برابر یزید خطبه‌ای ایراد فرمود و یزید را مورد خطاب قرار داد و فرمود: اندکی آرام گیر، مگر سخن خدای را فراموش کرده‌ای که فرمود: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ بِمَا كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَافِرُونَ» (این مهلت می‌دهیم، این مهلت) به نفع آن‌ها است، فقط به این خاطر که آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود. این آیه اشاره به سنت املاء و استدراج دارد.

۵۴ | ۲ قرآن منشأ (خاستگاه) اصلی اختلافات و چنددینی را از ناحیه آن دسته رهبران دینی می‌داند که به خاطر حفظ منافع دنیوی (ثروت و قدرت)، پیامبر جدید را انکار می‌کردند و منشأ اصلی اختلاف در ادیان الهی می‌شدند.

۵۵ | ۳ آیه شریفه: «ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَبَدِيكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ» این عقوبت] به خاطر کردار پیشین شماست [و نیز به خاطر آن است که] خداوند هرگز به بندگانش ستم نمی‌کند» به اختیار انسان و این‌که عقوبت تحت تأثیر اعمال است، اشاره دارد. لذا با آیه «... وَلٰكِنْ كَذٰبُوۡا فَاَخَذْنٰهُمۡ بِمَا كَانُوۡا يَكْسِبُوۡنَ...» ولى تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختیم به [کیفر] آن‌چه مرتکب می‌شدند» که درباره سنت «تأثیر اعمال انسان بر زندگی و سرنوشت او» است.

۵۶ | ۲ امام خمینی (ره) می‌فرماید: «به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است؛ چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم» و این موضوع به «ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت» از دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی اشاره دارد و آیه شریفه «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا... يَتَّبِعُونَ آلِيٰ طٰغُوۡتٍ...» با آن ارتباط مفهومی دارد.

۵۷ | ۲ نوع رفتار شهیدانی هم‌چون «ابراهیم هادی» مؤید آن است که انسان باید سعی و تلاش کند، نوع و سبک زندگی خود را به گونه‌ای قرار دهد که در آزمایش الهی سربلند بیرون آید.

۵۸ | ۲ رسول خدا (ص) با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی به مرتبه‌ای از کمال نائل شد که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید، این هدایت، یک کار ظاهری یعنی از طریق آموزش معمولی و عمومی نیست، بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات و مانند آن صورت می‌گیرد.

۵۹ | ۳ با توجه به حقیقت اختیار و رابطه آن با قضا و قدر الهی، قانونمندی حاکم بر جهان خلقت تجلی تقدیر الهی است و زمینه حرکت و پویایی انسان و به‌کارگیری اراده و اختیار اوست.

۶۰ | ۳ آیه ۸۵ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: «وَمَنْ يَّبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيۡنَ:» هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زبان‌کاران خواهد بود» یعنی زبان‌کاری در حیات اخروی معلول (تابع) پذیرش دینی غیر از اسلام است.

۶۱ | ۳ با توجه به آیه شریفه: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّئُهُمْ خَيْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّئُهُم لِئَازِمُوا وَ إِنَّمَا لَهُمْ لِبَئْسَ آلِئَامًا بِمَا كَفَرُوا» ... به آنان که کافر شدند، تصور نکنند که اگر به آنان مهلت می‌دهیم به نفع آن‌هاست فقط آیه این خاطر! به آنان مهلت می‌دهیم تا بر گناهان خود بیفزایند (بیژدادوا)» و با توجه به آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ...» و اگر مردم شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می‌کردند (علت و سبب) قطعاً برایشان می‌گشودیم برکاتی... (معلول).»

۶۲ | ۲ امام صادق (ع) درباره قرار گرفتن در دایره سنت املاء و استدراج می‌فرماید: «... هنگامی که شر بنده‌اش [بندهای که غرق گناه شده است] را بخواهد بعد از انجام گناه نعمتی به او می‌بخشد تا استغفار را فراموش کند و به راه خود ادامه دهد، این همان است که خداوند فرموده: سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ.»

۶۳ | ۴ قرآن کریم در آیه ۸۲ سوره نساء می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَان مِن عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا:» آیا در قرآن تدبیر نکنند و اگر از نزد غیر خدا باشد، قطعاً در آن اختلاف و ناسازگاری می‌یافتند.» قرآن تأکید بر تفکر در قرآن دارد و اگر قرآن از سوی غیر خدا بود در آن تعارض و ناسازگاری وجود داشت.

اگر پیامبر استمرار نوشتن و خواندن داشت «ما كُنْتُ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَحْطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِآرَتَابِ النَّبِطِيِّونَ» کجروان و اهل باطل به شک می‌افتادند.

۶۴ | ۳ قرآن کریم خطاب به مخالفان سرخست اسلام و دعوت آنان به مبارزه (تحدی) می‌فرماید: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَاسْأَلُوۡا سِوۡنَیْهِ:» آیا می‌گویند، او به دروغ [آن قرآن] را به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر می‌توانید یک سوره همانند آن را بیاورید.»

۶۵ | ۳ آیه شریفه: «كَلَّا نُبَدِّلُ هُوَآءَهُ وَ هُوَآءَهُ غَلَاظَةً مِّنْ عِلْمٍ رَبِّكَ وَ مَا كَانْ عِلْمُكَ رَبِّكَ مَحْضُورًا:» هر یک از ایشان و آنان (خواهان آخرت و دنیا) را مدد می‌رسانیم از عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است» مربوط به سنت امداد عام الهی است و گستردگی رحمت واسعة الهی است و آیه شریفه: «فَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُوَ عَشْرُ مِائَاتٍ...» کسی که کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] می‌گیرد...» مربوط به سنت سبقت رحمت بر غضب است و رضایت سریع خداوند از کسی که طلب آموزش کرده است، مصداقی از این سنت است.

۶۶ | ۳ با توجه به آیه شریفه: «ما كُنْتُ تَتْلُو مِن قَبْلِهِ مِن كِتَابٍ وَ لَا تَحْطُّهُ» بِیَمِیۡنِكَ إِذًا لِآرَتَابِ النَّبِطِیۡلِیۡنَ:» و پیش از آن هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و با دست خود، آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت، اهل باطل به شک می‌افتادند» استمرار خواندن و نوشتن (ماضی استمراری) = ما كُنْتُ تَتْلُو ... لَا تَحْطُّهُ ... متبوع (علت) شک کجروان می‌شد.

۶۷ | ۴ در سلسله علل طولی تأخیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که یک عامل در عامل دوم اثر می‌گذارد و عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال به هنگام نوشتن، چند عامل در طول هم در انجام این کار دخالت دارند، مثل نفس یا روح که اراده نوشتن می‌کند، در این مثال علت‌ها در طول هم هستند، یعنی در یک ردیف و مستقل نیستند، بلکه نسبت به هم در مرتبه‌های مختلف قرار دارند و علت مرتبه پایین، وابسته به علت مرتبه بالایی است.



زبان انگلیسی

۷۶ ۳ عموماً ادعا می‌شود که شما نمی‌توانید یک تکه کاغذ را بیش از هفت بار از وسط تا بزنید.

توضیح: "piece" (تکه) خودش اسم قابل شمارش است و در نتیجه در این جا طبق مفهوم جمله به حرف تعریف "a" نیاز دارد.

دقت کنید: هر چند "paper" (کاغذ) در این تست غیرقابل شمارش است و "a" جمع نمی‌گیرد، ولی "time" در معنی قابل شمارش «دفعه، بار» استفاده شده و بعد از عدد "seven" جمع بسته می‌شود.

۷۷ ۱ او خیلی انگلیسی صحبت نمی‌کرد، ولی چیزی که من تلاش می‌کردم بگویم را توانست متوجه شود، پس مکالمه کرد تا موزه‌ای را که دنبالش می‌گشتم پیدا کنم.

توضیح: در جای خالی اول از "but" برای بیان تضاد و نتیجه غیرمنتظره استفاده شده است و در جای خالی دوم از "so" برای بیان نتیجه استفاده کرده‌ایم.

۷۸ ۴ صدها حلقه‌ای که دور زحل می‌چرخند از میلیاردها ذره یخ و سنگ تشکیل شده‌اند.

توضیح: در این تست، هم "hundred" (صد) و هم "billion" (میلیارد) برای کلی‌گویی استفاده شده‌اند؛ بنابراین هر دوی آن‌ها به صورت جمع و به همراه "of" به کار می‌روند.

۷۹ ۴ در [ماه] ژوئن وقتی که کلاس‌های دانشگاه تمام می‌شود و دانشجویان زیادی شهر را ترک می‌کنند، آپارتمان‌های زیادی موجود می‌شوند.

توضیح: هم "apartments" (آپارتمان‌ها) و هم "students" (دانشجویان) اسم قابل شمارش جمع هستند و در نتیجه در بین گزینه‌ها، تنها موارد موجود در گزینه (۴) می‌تواند به شکل صحیحی پیش از آن‌ها قرار بگیرد.

۸۰ ۲ او در جریان کارش برای مردم زیادی در شهرهای محلی شناخته شده بود و در بین همه بسیار محبوب بود.

(۱) ذهنی؛ روحی (۲) محبوب؛ پرطرفدار
(۳) مایل؛ مشتاق (۴) قدران

۸۱ ۴ هیچ اتوبوس همگانی‌ای [در مسیر] آن روستا خدمت (فعالیت) نمی‌کند، پس باید یک تاکسی کرایه کنید تا شما را به آن جا ببرد و وقتی آماده بودید تا برگردید با همان تاکسی هماهنگ کنید تا سوارتان کند.

(۱) تأیید کردن، تصدیق کردن (۲) درگیر کردن؛ مشارکت دادن
(۳) در نظر گرفتن، لحاظ کردن (۴) هماهنگ کردن؛ ترتیب دادن

۸۲ ۱ یک وسیله نقلیه فضایی باید با سرعت حداقل ۱۷ مایل در ثانیه حرکت کند تا از کشش گرانشی زمین بگریزد.

(۱) فرار کردن؛ گریختن (۲) کاهش دادن؛ کاهش یافتن
(۳) منفرج شدن، ترکیب (۴) چرخیدن، دور زدن

۸۳ ۱ تعدادی از اتومبیل‌های خودران در مراحل پیشرفته توسعه هستند و انتظار می‌رود در طول سال‌های آتی در دسترس عموم قرار گیرند.

(۱) پیشرفته (۲) تکرار شده
(۳) بزرگ‌نمایی شده (۴) پیشنهاد شده

۸۴ ۳ مصریان باستان قلب را به عنوان مرکز هوش و احساس در نظر می‌گرفتند و اعتقاد داشتند مغز هیچ‌گونه اهمیتی ندارد.

(۱) دست یافتن به، رسیدن به (۲) الهام بخشیدن
(۳) در نظر گرفتن، لحاظ کردن (۴) تولید کردن، ساختن

۶۸ ۲ امام کاظم می‌فرمایند: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن‌که در پیام الهی متقل کنند، کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری (افضل) برخوردار باشند ... و آن‌کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»

۶۹ ۲ قساوت قلب حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، آن‌جا که نصیحت هیچ نصیحت‌کننده‌ای در او اثر نمی‌کند، این حالت با تکرار گناه پیدا می‌شود، یعنی قلب با تکرار گناه به تدریج چنان سخت می‌شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی‌کند. امام رضا (ع) می‌فرماید: «گناهان کوچک (صغیره) راه‌های برای گناهان بزرگ‌اند (کبیره).»

۷۰ ۲ دغدغه چگونه زیستن از آن رو دغدغه‌های جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند، بنابراین در این فرصت تکرارنشدنی، باید از بین همه راه‌هایی که پیش روی اوست راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد و در آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...» به این راه مطمئن که همان راه الهی است، اشاره گردیده است.

۷۱ ۱ انسان با قدرت اختیار و اراده‌اش می‌تواند مراحل کمال را یکی پس از دیگری ببیماید و حتی از ملائک و فرشتگان نیز بالاتر رود و البته این موضوع براساس عمل انسان است، بنابراین فقط مورد «ج» صحیح است.

۷۲ ۴ قرآن کریم در سوره شمس می‌فرماید: «فَالْيَوْمِئَاتِ فَجُوزْهَا وَ تَمَازُهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَكَاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا: هر کس آن [نفس] را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد و هر کس آن را آلوده کرد قطعاً محروم شد.» آثار گناه عبارتند از: ۱- قساوت قلب ۲- سلب توفیق ۳- از بین بردن آرامش خاطر است.

دقت کنید: قسمت آخر همه گزینه‌ها صحیح است.

۷۳ ۲ همه چیز در سیطره تقدیر است و قانونمندی‌های الهی است و خروج از ناممکن و محال است و آیه شریفه «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ...» نه خورشید را سرد که به ماه برسد. به این موضوع اشاره دارد و این موضوع مؤید آن است که هر چیزی مقدر به تقدیر الهی است.

۷۴ ۴ آیه شریفه: «وَ السَّمَاءُ بَنِينًا بَابًا وَ إِنَّا لَمِعْبُودُونَ: و آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.» اشاره به اعجاز محتوایی قرآن و ذکر نکات علمی بی‌سابقه و انبساط جهان دارد و با توجه به کلید واژه «باید» مؤید حقیقت قدرت خداوند است.

۷۵ ۲ قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره نساء می‌فرماید: «اللَّهُ تَرَى إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نَزَّلَ إِلَيْكَ وَ مَا نَزَّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَيْكَ أَلطَّاعُونَ وَ قَدْ آمَرُوا أَنْ يَتَّقُوا اللَّهَ وَ يُؤَدُّوا السَّلْطَانَ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا: آیا ندیده‌ای کسانی که گمان می‌برند به آن‌چه بر تو نازل شده و به آن‌چه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می‌خواهند داوری را نزد طاغوت ببرند، حال آن‌که به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی عمیق بکشاند.» پیامد و عاقبت بردن داوری به نزد طاغوت گمراهی دور و دراز است (ضلالاً بعيداً) و براساس آیه ۲۵ سوره حدید، غایت و هدف ارسال رسولان این است که مردم به اقامه عدل و داد برخیزند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا لِلنَّاسِ بِالنِّسْبِ.»



۹۲ ۴ توضیح: در صورتی که یک اسم مصدر (فعل saring) در جایگاه فاعل جمله قرار گیرد، فاعل سوم شخص مفرد به حساب می‌آید.
دقت کنید، چون مفعول فعل "produce" یعنی "iron" بعد از جای خالی قرار دارد، در جای خالی به فعل معلوم نیاز داریم که شکل مناسب آن برای فاعل سوم شخص مفرد در گزینه (۴) آمده است.

یک مهمان در حال بازگشت است. ما این یکی را خیلی وقت است که ندیده‌ایم. در [سال] ۲۰۶۱ ستاره دنباله‌دار هالی بر فراز زمین به سرعت حرکت خواهد کرد. آن به خاطر ادموند هالی [به این اسم نام‌گذاری شده است. او استنباط کرد که ستاره‌های دنباله‌دار دیده‌شده در [سال‌های] ۱۵۳۱، ۱۶۰۷ و ۱۶۸۲ همه دقیقاً یکی بودند. وی ظاهر شدن آن را در [سال] ۱۷۵۸ پیش‌بینی کرد. اما او زنده نماند تا آن را ببیند. قدیمی‌ترین [اطلاعات ثبت‌شده] از ستاره دنباله‌دار هالی از [سال] ۱۰۵۷ پیش از میلاد به دست آمده است. [در این سال] یک کتاب چینی به آن اشاره می‌کند. ستاره‌شناسان از [سال] ۲۳۹ پیش از میلاد هر [بار] ظاهر شدن [این ستاره دنباله‌دار] را ذکر کرده‌اند.

یک ستاره دنباله‌دار به صورت یک تودهٔ یخی کوچک دورتر از پلوتون در ناحیه‌ای به نام اورت به وجود می‌آید. آن‌جا، میلیاردها تکه آب یخ، آمونیاک یخ، متان یخ و گرد و غبار به دور منظومهٔ شمسی می‌چرخند. گرانش [سیاره] پلوتون یا نپتون باعث می‌شود که ستاره دنباله‌دار شروع به پایین رفتن به سمت خورشید کند. دنباله‌ای از ذرات خورشیدی، یک دنبالهٔ قابل رؤیت از گازهای درخشان ایجاد می‌کند. این دنباله می‌تواند به اندازهٔ سی و پنج میلیون مایل امتداد داشته باشد! ستاره دنباله‌دار به دور خورشید می‌چرخد. سپس آن [در اثر نیروی گرانش] به سمت بیرون پرتاب می‌شود و یک بار دیگر به سمت خارج منظومهٔ شمسی با شتاب حرکت می‌کند. اغلب ستاره‌های دنباله‌دار هرگز به منظومهٔ شمسی برنمی‌گردند. با این وجود، تعدادی از آن‌ها [ستاره‌های دنباله‌دار کوتاه‌مدت (دوره‌ای) هستند. آن‌ها در فواصل منظم بازمی‌گردند. ستاره دنباله‌دار هالی هر هفتاد و شش سال [یک بار] ظاهر می‌شود. ستاره دنباله‌دار اتمک هر ۳۳ سال [یک بار] از نزدیک زمین می‌گذرد.

۸۵ ۳ او سکای قدیمی داشت که فکر می‌کرد بالارزش است، ولی در واقع بی‌ارزش بود چون که در شرایط بدی بود (سالم نبود).

- (۱) جمعی، فراگیر
(۲) مشترک
(۳) بالارزش، ارزشمند
(۴) داخلی، خانوادگی

۸۶ ۴ این یک خوشمزه است! مواد [آن] چیست؟ یک چیزی این‌جا [داخل] یک هست که می‌توانم [طعم آن را] تشخیص دهم، ولی نمی‌توانم بفهمم آن چیست.

- (۱) مراقب بودن
(۲) اصرار کردن بر، تأکید کردن بر
(۳) بی بردن، فهمیدن
(۴) ساطع کردن، منتشر کردن

۸۷ ۴ او در حال حاضر با شرکت‌های دارویی کار می‌کند تا نسل جدیدی از داروها را توسعه دهند که ممکن است از [داروهای] موجود مؤثرتر باشند.

- (۱) مقایسه، سنجش
(۲) اطلاعات
(۳) نسل، تولید
(۴) جمعیت

سازه‌های عظیم مانند تانکرهای نفت و پل‌ها و [هم‌چنین] اشیای کوچک مانند پیچ و مهره‌ها همه از فولاد ساخته می‌شوند. جهان هر سال تقریباً دو میلیارد تن فولاد تولید می‌کند؛ آن از همه فلزات به طور گسترده‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد. فولاد از آهن [که] یکی از متداول‌ترین فلزات پوستهٔ زمین [است] و کربن که از زغال‌سنگ حاصل می‌گردد، ساخته می‌شود. آهن کاربردهای بسیاری دارد، از جمله ساخت قطعات موتور ماشین و آهن‌ریاها. بدن ما نیز برای [این‌که] به درستی کار کند، به آهن نیاز دارد. یک رژیم غذایی سالم باید شامل غذاهایی مانند سبزیجات سبز باشد که حاوی آهن هستند. تکه‌های آهن در شهاب‌سنگ‌ها از فضا به زمین می‌افتند. با این حال، بیش‌تر آهن [تولیدشده] از سنگ آهن [موجود] در سنگ‌ها [به دست می‌آید]. حرارت دادن سنگ [آهن] با کک [از زغال‌سنگ] آهن را می‌سازد. هیتی‌های ترکیه حدود ۱۵۰۰ [سال] پیش از میلاد مسیح [مهارت] ذوب آهن را تکمیل کردند. این سرآغاز عصر آهن بود که طی آن آهن برای ساخت سلاح‌ها و ابزار کاربرد گسترده‌ای پیدا کرد.

۸۸ ۴ توضیح: اعدادی مانند "billion" (میلیارد) اصولاً قابل جمع

بستن نیستند، مگر این‌که مانند تست ۷۸ قصد کلی‌گویی داشته باشیم. ولی در این تست به دلیل کاربرد عدد "two" متوجه می‌شویم که کلی‌گویی وجود ندارد و نمی‌توانیم "billion" را جمع ببندیم. البته اسم قابل شمارش "ton" بعد از این عدد جمع بسته می‌شود.

نکته: بعد از "every" و مشتقات آن، اسم جمع بسته نمی‌شود.

۸۹ ۲

- (۱) محل، مکان
(۲) فلز
(۳) مایع
(۴) شگفتی، حیرت

۹۰ ۴

- (۱) به صورت جمعی، به صورت فراگیر
(۲) جالب این‌که
(۳) طبق گزارش
(۴) به درستی، به صورت مناسب، به صورت شایسته

۹۱ ۴

- (۱) درگیر کردن؛ مشارکت دادن
(۲) برگزیدن
(۳) پایین آوردن، کم کردن
(۴) حاوی ... بودن

۹۲ ۲ طبق متن، ستاره‌های دنباله‌دار کجا تشکیل می‌شوند؟

- (۱) نزدیک خورشید
(۲) در ناحیهٔ ابر اورت
(۳) نزدیک مشتری
(۴) نزدیک زمین

۹۴ ۲ کلمهٔ "deduce" (استنباط کردن، نتیجه گرفتن) به شکلی که

در پاراگراف اول استفاده شده به معنی است.

- (۱) متقاعد کردن سایر دانشمندان
(۲) با استدلال به نتیجه‌ای رسیدن
(۳) تلاش کردن برای درک هستی
(۴) کشف کردن یک واقعیت به صورت تصادفی

۹۵ ۴ کدام رویداد پس از مرگ هالی اتفاق افتاد و به عنوان دلیلی

دیده شد که ستاره دنباله‌دار [هالی] هر هفتاد و شش سال [یک بار] بازمی‌گردد؟

- (۱) ظاهر شدن [ستاره دنباله‌دار هالی] در [سال] ۱۹۸۴
(۲) ظاهر شدن [ستاره دنباله‌دار هالی] در [سال] ۲۰۶۱
(۳) ظاهر شدن [ستاره دنباله‌دار هالی] در [سال] ۱۰۵۷ پیش از میلاد
(۴) بازگشت ستاره دنباله‌دار [هالی] در [سال] ۱۷۵۸



۹۶ ۱ طبق محتوای متن، معنی ستاره دنباله‌دار کوتاه‌مدت (دوره‌ای)

چیست؟

- ۱) آن در فواصل منظم بازمی‌گردد.
- ۲) آن از فزات خورشیدی تشکیل شده است.
- ۳) آن روی زمین تنها یک بار دیده می‌شود.
- ۴) آن کمتر از یک سال دوام می‌آورد.

فرض کنید معلمتان به شما تکلیف داده است تا همه اعداد از ۱ تا ۱۰۰ را بدون استفاده از ماشین حساب با هم جمع کنید. فکر می‌کنید این [کار] چه مدت طول بکشد؟ شما می‌توانید این [کار] را در حدود ۳۰ ثانیه انجام دهید.

روش [آن] در این‌جا آمده است: ۱ را با ۱۰۰ جمع کنید که مساوی ۱۰۱ می‌شود. ۲ را به ۹۹ اضافه کنید که برابر ۱۰۱ می‌شود. ۳ را با ۹۸ جمع کنید که [آن] نیز مساوی ۱۰۱ می‌شود. شما ۵۰ جفت عدد را با هم جمع می‌کنید که همه برابر ۱۰۱ می‌شوند. بنابراین می‌توانید ۵۰ را در ۱۰۱ ضرب کنید. این مساوی ۵۰۵۰ می‌شود. البته، هنگامی که اعداد یکسان را به کار می‌برید ضرب کردن صرفاً یک روش سریع جمع بستن است. ریاضیدانی که این مسئله خاص را حل کرد، کارل گوس نام داشت. او از [سال] ۱۷۷۷ تا ۱۸۵۵ زندگی می‌کرد. وی به عنوان یک دانشجوی کالج دریافت که یک شکل هفده ضلعی می‌تواند فقط با یک پرگار و یک خطکش کشیده شود. [قبل از آن] تصور می‌شد این [کار] غیرممکن است. گوس در طول زندگی‌اش در بررسی اعداد و اشکال اکتشافات بسیاری انجام داد. او کاربرد آمار را مورد مطالعه قرار داد. این (آمار) علم جمع‌آوری، کاربرد و بررسی اطلاعات از وقایع واقعی در زندگی است. گوس ستاره‌ها و سیارات را نیز مورد مطالعه قرار داد. او به دلیل کشف مدار سیاره کوتوله سرس به دور خورشید مشهور شد.

۹۷ ۲ در الگوی توصیف‌شده در پاراگراف دوم کدام عدد به ۹۱ اضافه

خواهد شد؟

- ۱) ۰
- ۲) ۱۰
- ۳) ۱۱
- ۴) ۲۰

۹۸ ۱ تمام موارد زیر می‌توانند به عنوان نمونه‌های آمار در نظر گرفته

شوند به جز

- ۱) کشف فرمول‌های ریاضی جدید
- ۲) جمع‌آوری نتایج جام جهانی [فوتبال] فیفا از [سال] ۱۹۳۰
- ۳) تخمین [تعداد] بشکه‌های نفت فروخته‌شده توسط یک شرکت در یک سال
- ۴) بی بردن به معدل نمرات یک دانش‌آموز در طول یک سال [تحصیلی]

۹۹ ۱ طبق محتوای متن، می‌توانید چه چیزی را در مورد سرس

برداشت کنید؟

- ۱) تا [زمان] گاوس هیچ‌کس از مدار آن اطلاع نداشت.
- ۲) پیش از کارل کشف آن غیرممکن تلقی می‌شد.
- ۳) سرس در یک منظومه خورشیدی [دیگر] حرکت می‌کند و هرگز بازمی‌گردد.
- ۴) این سیاره کوتوله اولین بار توسط کارل گاوس دیده شد.

۱۰۰ ۴ کدام یک از موارد زیر در متن تعریف شده است؟

- ۱) تکلیف (پاراگراف ۱)
- ۲) ماشین حساب (پاراگراف ۱)
- ۳) حل کردن (پاراگراف ۳)
- ۴) آمار (پاراگراف ۴)

ریاضی و آمار

۱۰۱ ۳ میزان مصرف بنزین اتومبیل‌های بررسی‌شده، داده آماری و

اتومبیل‌های موجود در پارکینگ شرکت واحد آماری است.

۱۰۲ ۲ روش نمونه‌گیری در گام دوم تعیین می‌شود.

۱۰۳ ۱ طبق متن کتاب درسی هر دو عبارت صحیح هستند.

۱۰۴ ۴ از آن‌جا که در بین داده‌ها، داده دور افتاده وجود دارد (عدد

۱۲۰۷)، بنابراین برای توصیف این داده‌ها از میانه به عنوان معیار گرایش به مرکز و از دامنه میان چارکی به عنوان معیار پراکندگی استفاده می‌شود.

۱۰۵ ۴ برای یافتن میانه ۲۴ داده آماری باید از رابطه زیر استفاده کرد:

$$24 = \frac{22 + 25}{2} = \text{میانه} \Rightarrow \text{داده}^{\text{ام}} + \text{داده}^{\text{ام}} = 2 \times \text{میانه}$$

از طرفی می‌دانیم: $21 = \frac{116 + 98}{24} = \frac{214}{24} = \frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}}$

و اختلاف میانه و میانگین برابر است با: $24 - 21 = 3$

۱۰۶ ۳ می‌دانیم: $IQR = Q_3 - Q_1$

طبق فرض مسئله ۲۵ درصد داده‌ها کمتر از عدد ۱۴ هستند، یعنی $Q_1 = 14$

و برای آن‌که بفهمیم ۲۵ درصد داده‌ها بزرگتر از کدام عدد هستند باید چارک

سوم را بیابیم: $27 = 14 + 13 \Rightarrow Q_3 = 14 + 13 \Rightarrow IQR = 13$

۱۰۷ ۳ بهترین نمودار برای نشان دادن چگونگی پراکندگی داده‌ها،

نمودار جعبه‌ای است.

۱۰۸ ۲ با تشکیل یک نسبت تناسب ساده می‌توان به نتیجه رسید:

$$\frac{54^\circ}{36^\circ} = \frac{x}{56^\circ} \Rightarrow x = \frac{54^\circ \times 56^\circ}{36^\circ} = 84^\circ$$

۱۰۹ ۲

$$\left(\frac{100}{3}\right) = \frac{100!}{3!97!} = \frac{100 \times 99 \times 98 \times 97!}{3 \times 2 \times 1 \times 97!} = 100 \times 33 \times 49$$

$$= 100 \times 1617 = 161700$$

۱۱۰ ۱ اگر داده‌ها را با روش مناسبی تحلیل کرده باشیم، حداکثر

می‌توانیم نتایج را به همان جامعه محدود کنیم و نه به سایر جوامع آماری.

۱۱۱ ۳ اولین قدم برای یافتن داده‌ها و بررسی متغیر مورد نظر،

اندازه‌گیری یا سنجش است.

$$\bar{x}_A = 14, \sigma_A = 17 - 14 = 3 \Rightarrow \frac{\sigma_A}{\bar{x}_A} = \frac{3}{14} = 0.21$$

$$\bar{x}_B = 15, \sigma_B = 19 - 15 = 4 \Rightarrow \frac{\sigma_B}{\bar{x}_B} = \frac{4}{15} = 0.26$$

$$\bar{x}_C = 12, \sigma_C = 16 - 12 = 4 \Rightarrow \frac{\sigma_C}{\bar{x}_C} = \frac{4}{12} = 0.33$$

$$\bar{x}_D = 14, \sigma_D = 18 - 14 = 4 \Rightarrow \frac{\sigma_D}{\bar{x}_D} = \frac{4}{14} = 0.28$$

بنابراین نسبت انحراف معیار به میانگین در فرد A کمتر از سایرین است.

۱۱۲ ۴ در گام چهارم (تحلیل داده‌ها) مشخص می‌کنیم از کدام

معیارها برای توصیف داده‌ها استفاده کنیم.



۳ ۱۲۲

$$\frac{x^r - y^r}{xy - y^r} - \frac{xy - y^r}{y^r} = \frac{(x-y)(x+y)}{y(x-y)} - \frac{y(x-y)}{y^r}$$

$$= \frac{x+y}{y} - \frac{x-y}{y} = \frac{x+y-x+y}{y} = \frac{2y}{y} = 2$$

۲ ۱۲۳

$$1+x+x^r + \frac{x^r}{1-x} = \frac{1-x+x(1-x)+x^r(1-x)+x^r}{1-x}$$

$$= \frac{1-x+x-x^r+x^r-x^r+x^r}{1-x} = \frac{1}{1-x}$$

۱ ۱۲۴

$$\frac{x}{x-2} - \frac{x}{x+2} + \frac{x^2+9}{(x-2)(x+2)}$$

$$= \frac{x(x+2)-x(x-2)+x^2+9}{(x-2)(x+2)} = \frac{x^2+2x-x^2+2x+x^2+9}{(x-2)(x+2)}$$

$$= \frac{x^2+6x+9}{(x-2)(x+2)} = \frac{(x+3)^2}{(x-2)(x+2)} = \frac{x+3}{x-2}$$

به سطرهای زیر از مثلث خیام توجه کنید:

$$\begin{array}{ccccccc} & & 1 & & & & \\ & & & 1 & & & \\ & 1 & & 2 & & 1 & \\ & & 1 & & 3 & & 1 \\ & 1 & & 4 & & 6 & & 1 \\ & & 1 & & 5 & & 10 & & 1 \\ & & & 1 & & 5 & & & 1 \end{array}$$

سطر سوم \rightarrow
سطر چهارم \rightarrow
سطر پنجم \rightarrow
سطر ششم \rightarrow

به عنوان مثال، در سطر پنجم جمله دوم، ۴ و جمله $(n-1)$ ام یعنی جمله $(5-1)$ ام (جمله چهارم) برابر ۴ است یعنی برابر $n-1$ است.
در سطر ششم جمله دوم، ۵ و جمله $(n-1)$ ام یعنی جمله $(6-1)$ ام (جمله پنجم) برابر ۵ است یعنی برابر $n-1$ است، بنابراین در سطر n ام مثلث خیام اعداد دوم و $(n-1)$ ام، برابر $n-1$ است.

۲ ۱۲۶

نقیض «عدد a بزرگتر از b است». به صورتهای زیر می‌تواند باشد: «چنین نیست که a بزرگتر از b است»، یا « a بزرگتر از b نیست»، یا « a کوچکتر یا مساوی b است».

۱ ۱۲۷

ارزش گزاره «عدد ۲۷ ضرب ۴ نیست»، درست است. پس ارزش گزاره $p \vee q$ یعنی a درست است و از طرفی ارزش گزاره «احتمال آمدن عدد اول در پرتاب یک تاس $\frac{1}{6}$ است» نادرست است (زیرا احتمال آن $\frac{1}{6}$ است) در نتیجه ارزش گزاره $p \Rightarrow q$ به انتهای مقدم همواره درست است، پس b نیز درست است.

۱ ۱۲۸

از قانون توزیع پذیری استفاده می‌کنیم:

$$(p \wedge q) \vee (p \wedge \sim q) \equiv p \wedge (q \vee \sim q) \equiv p \wedge T \equiv p$$

۱ ۱۲۹

می‌دانیم گزاره شرطی $p \Rightarrow q$ زمانی نادرست است که p درست و q نادرست باشد پس $\sim q$ درست و در نتیجه ارزش گزاره $(p \wedge \sim q)$ درست است، بنابراین گزاره $(p \wedge \sim q) \vee r$ همواره درست است.

۳ ۱۳۰

دمورگان $q \wedge \sim p \equiv \sim p \wedge q$
 $\sim(q \Rightarrow p) \equiv \sim(\sim q \vee p)$
 تبدیل شرطی به فصلی

$\sigma^2 = 6/25 \Rightarrow$ انحراف معیار $\sigma = \sqrt{6/25} = 2/5$ ۴ ۱۱۴
 در نمودار داده‌شده عدد $11/5$ از مجموع میانگین و انحراف معیار به دست آمده است، پس:

$$\bar{x} + \sigma = 11/5 - \sigma = 2/5 \Rightarrow \bar{x} + 2/5 = 11/5 \Rightarrow \bar{x} = 11/5 - 2/5 = 9$$

$$\bar{x} = \frac{\text{مجموع داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}} \Rightarrow 9 = \frac{\Delta f_0}{n} \Rightarrow 9n = \Delta f_0 \Rightarrow n = \frac{\Delta f_0}{9} = 60$$

$$\frac{\text{مجموع مجذورات تفاضل میانگین از داده‌ها}}{\text{تعداد داده‌ها}} \Rightarrow 6/25 = \frac{x}{60}$$

$$\Rightarrow x = 60 \times 6/25 = 375$$

۳ ۱۱۵ هر دو متغیر «سرعت» و «قیمت» اتومبیل از نوع کمی با مقیاس نسبتی هستند.

۴ ۱۱۶

$$(x+y)^2 = x^2 + y^2 + 2xy \Rightarrow x^2 + y^2 = (x+y)^2 - 2xy$$

$$= \left(\frac{27}{4}\right)^2 - 2\left(\frac{27}{4}\right) = \frac{49}{4} - 27 = \frac{49-108}{4} = \frac{-59}{4} (*)$$

$$\Rightarrow (x-y)^2 = x^2 + y^2 - 2xy = \frac{27}{4} - 2\left(\frac{27}{4}\right) = \frac{27}{4} - 27 = \frac{27-108}{4} = \frac{-81}{4}$$

$$(x-y)^2 = \frac{25}{4}$$

۱ ۱۱۷

تجزیه از طریق اتحاد مزدوج

$$(x^2 - \lambda x + \lambda)^2 - (\lambda)^2$$

$$(x^2 - \lambda x + \lambda - \lambda)(x^2 - \lambda x + \lambda + \lambda)$$

$$= (x^2 - \lambda x)(x^2 - \lambda x + 2\lambda) = x(x-\lambda)(x-\lambda + 2)$$

۳ ۱۱۸

$$(x+2)(x^2+25) - 10x^2 - 20x = (x+2)(x^2+25) - 10x(x+2)$$

فکتور از $-10x$

۲ ۱۱۹

فکتور از $x+2$

$$\frac{x+2}{(x+2)(x^2+25-10x)} = (x+2)(x-5)^2$$

۲ ۱۲۰

تفاضل مکعب دو جمله‌ای

$$27x^3 - 1 = (3x-1)(9x^2 + 3x + 1)$$

اتحاد مزدوج

$$3x(9x^2 - 1) = 3x(3x-1)(3x+1)$$

بزرگ‌ترین مقسوم‌علیه مشترک = حاصل ضرب عوامل مشترک با کم‌ترین توان

$$3x - 1 = 3x$$

۴ ۱۲۰

$$4x^2 - 3x + A = (2x-a)^2$$

$$2(2x)(a) = 3x \Rightarrow 4a = 3 \Rightarrow a = \frac{3}{4}$$

$$(2x - \frac{3}{4})^2 = 4x^2 - 3x + \frac{9}{16} \Rightarrow A = \frac{9}{16}$$

۱ ۱۲۱

$$\frac{(a-2)(a^2-4)}{-a^2+a+6} = \frac{(a-2)(a-2)(a+2)}{-(a^2-a-6)}$$

$$= \frac{(a-2)(a-2)(a+2)}{-(a-2)(a+2)} = \frac{a-2}{-1} = -a+2 = 2-a$$



۴ ۱۳۱

p	q	~p	~q	(~p∧q)	~q⇒(~p∧q)	*
T	T	F	F	F	T	F
T	F	F	T	F	F	T
F	T	T	F	T	T	T
F	F	T	T	F	F	F

$*) \sim p \Leftrightarrow [\sim q \Rightarrow (\sim p \wedge q)]$

۱۳۲ از نادرستی $(r \Leftrightarrow q) \Rightarrow p$ نتیجه می‌گیریم که p درست و $r \Leftrightarrow q$ نادرست است از نادرستی $r \Leftrightarrow q$ هم نتیجه می‌گیریم که ارزش گزاره‌های r و q متفاوت هستند، یعنی یکی درست و یکی نادرست است پس:

$[q \Rightarrow (p \vee r)] \equiv [q \Rightarrow (T \vee T)] \equiv (q \Rightarrow T) \equiv T$

۱۳۳ با تشکیل جدول ارزش گزاره‌ها داریم:

p	q	p∧q	(p⇔q)	(p⇔q)∨(p∧q)
T	T	T	T	T
T	F	F	F	F
F	T	F	F	F
F	F	F	T	T

پس مشاهده می‌شود که اگر ارزش p نادرست و q درست باشد (با p درست و q نادرست باشند) ارزش گزاره داده‌شده نادرست است.

۴ ۱۳۴

$\sim p \vee (\sim q \Rightarrow p) \equiv \sim p \vee (q \wedge \sim p)$ جایه جایی
و شرکت پذیری
 $\equiv (\sim p \vee q) \wedge (\sim p \vee \sim p)$
 $\equiv T \vee q \equiv T$ تبدیل شرطی به فصلی

حال داریم: $(p \Leftrightarrow T) \equiv p$
 یعنی ارزش گزاره $T \Leftrightarrow p$ به ارزش گزاره p بستگی دارد.

۴ ۱۳۵

$(p \Rightarrow q) \wedge (p \Rightarrow \sim q) \equiv (\sim p \vee q) \wedge (\sim p \vee \sim q)$
 $\equiv \sim p \vee (q \wedge \sim q) \equiv \sim p \vee F \equiv \sim p$
 نادرست (F)

بنابراین در جدول ارزش p و q ارزش این گزاره در دو حالت از چهار حالت، نادرست است.

اقتصاد

۱ ۱۳۶

الف) سطح حداقل معیشت (خط فقر) از یک کشور به کشور دیگر یا از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است و این امر منعکس‌کننده تفاوت در نیازها است.

ب) انسان به مثابه مهم‌ترین عامل تولید به آموزش و تأمین اقتصادی - اجتماعی نیاز دارد و هرگونه سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها به افزایش بهره‌وری نیروی کار و در پی آن، افزایش درآمد ملی منجر می‌شود.
 ج) فقیر مطلق کسی است که به نیازهای ابتدایی زندگی مانند آب سالم، تغذیه، خدمات بهداشتی، آموزش، پوشاک و سرپناه دسترسی نداشته باشد.

۱ ۱۳۷ الف

$2\% = \text{دهک دوم} - \text{دهک پنجم}$

سهم دهک دوم $5\% = X \Rightarrow Y - 2 = X \Rightarrow Y - X = 2$

سهم دهک چهارم $5\% = 4\%$

سهم دهک چهارم $5\% = 7.6\% \Rightarrow Y = 4.5 = 11 - Y$

ب) برای مقایسه وضعیت توزیع درآمد در دو کشور از فرمول:

$\frac{\text{سهم دهک دوم}}{\text{سهم دهک اول}}$ شاخص دهک‌ها

استفاده می‌کنیم و سپس با مقایسه نسبت‌های به دست آمده در دو کشور، می‌گوییم این نسبت برای هر کشور که بزرگ‌تر باشد، وضع توزیع درآمد در آن کشور نامناسب‌تر است، لذا داریم:

$\frac{26}{4} = 6.5 = \frac{\text{سهم دهک دوم کشور A}}{\text{سهم دهک اول کشور A}}$ شاخص دهک‌ها برای کشور A

$\frac{\text{سهم دهک دوم کشور B}}{\text{سهم دهک اول کشور B}}$ (*) شاخص دهک‌ها برای کشور B

* از آن جایی که دهک دوم کشور B مجهول است، با استفاده از مفروضات مسئله ابتدا سهم آن را به دست می‌آوریم:

$14.5 = \text{دهک دوم} - \text{دهک دوم}$

سهم دهک دوم $20\% = X \Rightarrow X - 5 = 14.5$

پس داریم:

$\frac{20}{5} = 4 = \frac{\text{شاخص دهک‌ها برای کشور B}}$

لذا از آن‌جا که این نسبت برای کشور A بیش‌تر از کشور B می‌باشد، می‌گوییم توزیع درآمد در کشور A نامناسب‌تر از کشور B است.

۳ ۱۳۸ الف

الف) اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در هر کشور:

- ۱- دستیابی به عدالت
- ۲- کاهش انواع نابرابری مثل نابرابری در برخورداری از امکانات
- ۳- کاهش فاصله درآمدی
- ۴- کاهش فقر
- ۵- تأمین حداقل رفاه اجتماعی برای عموم مردم

ب) خط فقر به سطح حداقل درآمد معیشتی معین گفته می‌شود که از یک کشور به کشور دیگر و یا از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است و این امر منعکس‌کننده تفاوت در نیازها است.

۱ ۱۳۹ الف

الف) با گذشت زمان و تکامل بشر به ویژه دستیابی به فناوری‌های نوین اجتماعی و کشف قوانین حاکم بر اجتماعات انسانی، محدوده اقتدار دولت نیز وسیع‌تر شد.

ب) از آن جایی که درآمد اقشار ضعیف جامعه متناسب با افزایش قیمت‌ها، افزایش نمی‌یابد، افراد جامعه در تهیه کالاهای مورد نیاز خود با مشکل روبه‌رو شده و سطح رفاه عمومی کاهش می‌یابد. در این شرایط دولت تلاش می‌کند رشد قیمت‌ها را تثبیت کند.

۴ ۱۴۰

دولت‌ها به منظور تحقق اهداف اشتغال کامل زمینه رونق اقتصادی را فراهم می‌آورند که در این شرایط، فعالیت‌های تولیدی گسترش می‌یابد و تمایل تولیدکنندگان به استخدام نیروی کار جدید بیش‌تر می‌شود؛ یعنی فرصت‌های شغلی جدید موجب رسیدن به اشتغال کامل می‌شود.



علوم و فنون ادبی

۱ ۱۴۶ در هیچ‌یک از بیت‌های مورد سؤال، «لَفّ و نشَر» وجود ندارد.

۴ ۱۴۷ بیت «ب»: پارادوکس: معمار بودن خرابی

تغییر کَمّیت مصوّت

کوتاه به بلند

چُن	خَ	رَا	بِی	نِیَسْت	مَع	مَآ	رِی	بَـ	نَا	یِ	جِـ	رَا
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	U	-	-
تَا	نَـ	فِـ	دَا	رِی	ز	تَـ	مِـ	رَـ	بَـ	دِن	غَا	فَل
-	U	-	-	U	-	-	U	-	U	-	-	-

تغییر کَمّیت مصوّت کوتاه به بلند

۳ ۱۴۸ باران بَرگ گِل / گِهر اَطلس عِسل (لَفّ و نشَر مرتب)

لَفّ ۱ لَفّ ۲ لَفّ ۳ نشَر ۱ نشَر ۲ نشَر ۳

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) دَسْت زَبَان / بَدَانِی مَگویی تَوَانِی مِکِن (لَفّ و نشَر مَشوُش)

لَفّ ۱ لَفّ ۲ نشَر ۲ نشَر ۱

۲) مَرغ مَاهِی / دَرِیَا مَرغَزَار (لَفّ و نشَر مَشوُش)

لَفّ ۱ لَفّ ۲ نشَر ۲ نشَر ۱

۴) زَلَف بِنَاگوشِ / رُوزِ شَب (لَفّ و نشَر مَشوُش)

لَفّ ۱ لَفّ ۲ نشَر ۲ نشَر ۱

۲ ۱۴۹ «دریای آتش» ترکیبی متناقض‌نماست.

۱ ۱۵۰ تضاد: روز ≠ شب / شادی ≠ غم

رُوز	ز	شَا	دِی	هَـ	مَـ	کَس	دَـ	گَـ	نَد	اَز	یَا	رَاهِ
-	U	-	U	U	U	-	U	U	-	-	-	-
یَا	رِی	یَا	نِـ	سَـ	کِـ	مَـ	رَا	شَـ	پَـ	غَـ	یَا	دَـ
-	U	-	-	-	-	-	U	U	-	-	U	کَـ
نِـ	زَـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ	نِـ

تغییر کَمّیت مصوّت بلند به کوتاه

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) تضاد: خشک ≠ تر

تغییر کَمّیت مصوّت بلند به کوتاه: —

۳) تضاد: درد ≠ درمان

تغییر کَمّیت مصوّت بلند به کوتاه: —

۴) تضاد: رفت ≠ نرفت / مهمان ≠ صاحب‌خانه

تغییر کَمّیت مصوّت بلند به کوتاه: —

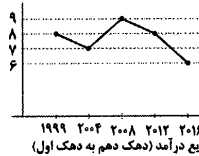
۴ ۱۵۱ تضاد: روشن ≠ تیره / پری ≠ اهریمن

لَفّ و نشَر: روشن تیره / عَارِضِ زَلَف / رُوی پَری رَای اهرِیمن

لَفّ ۱ لَفّ ۲ نشَر ۲ نشَر ۳ نشَر ۳

۲ ۱۴۱ الف) هر چه توزیع درآمد دارای عدد بزرگ‌تری باشد، یعنی وضعیت شکاف طبقاتی بیش‌تر است. پس در سال ۲۰۱۶ توزیع درآمد ۶ درصد و مناسب‌تر بوده است.

میزان درآمد ۱۰ درصد ثروتمند = توزیع درآمد
میزان درآمد ۱۰ درصد فقیر



وقتی که شاخص توزیع درآمد در سال ۱۹۹۹، ۸ درصد است، یعنی ۱۰ درصد ثروتمند ۸ برابر ۱۰ درصد فقیر درآمد دارند.

۳ ۱۴۲

اشغال کامل
ثبات قیمت‌ها
رشد و پیشرفت اقتصادی
بهبود توزیع ثروت و درآمد
نقش اقتصادی دولت:

بررسی عبارت‌هاک نادرست:

ب) دولت‌ها سعی می‌کنند با افزایش ظرفیت تولیدی و امکانات کشور، رونق اقتصادی و رفاه مردم را نسبت به گذشته بیش‌تر کنند.

ج) اشتغال کامل به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن همه عوامل تولید امکان شرکت در فرآیند تولید را دارند. البته اشتغال کامل به معنی صفر بدون نرخ بیکاری نیست و بیکاری داوطلبانه و بیکاری اصطلاحی نیز وجود دارند.

۴ ۱۴۳

دولت برای هدایت اقتصاد در مسیر مطلوب و مورد نظر خود و با هدف ایجاد نظم در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و تأمین مصالح جامعه، مقررات اجرائی را وضع و سیاست‌هایی را طراحی می‌کند و این اقدام مربوط به وضع مقررات، سیاست‌گذاری و حکمرانی در اقتصاد است، نه عرضه کالاها و خدمات.

۱ ۱۴۴

الف) از آن‌جا که مهندسين تازه فارغ‌التحصیل شده و افراد ترفیع رتبه یافته و ۲ میلیون افراد مشغول به کار مجموعاً ۴ میلیون یعنی ۴۰٪ از کل افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، افراد دیگری شرایط اشتغال به کار را دارا نیستند. پس باید همین سه گروه را بررسی کنیم:

۱- مهندسين تازه فارغ‌التحصیل شده با این‌که شرایط کار مهیاست، ولی به دلایل شخصی حاضر به انجام کار و شاغل شدن نمی‌باشند.

۲- افراد ترفیع رتبه یافته نیز به دلیل مهیا نبودن شرایط محیط کار موقتاً بیکار هستند.

۳- افرادی که با حقوق مکتبی مشغول به کار هستند.

پس این جامعه در وضعیت اشتغال کامل به سر می‌برد.

ب) چون پیشگیری بهتر از درمان است، دولت سعی می‌کند از بیکار شدن افراد شاغل جلوگیری کند. برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت و مهارت‌افزایی حین کار و اعطای یارانه‌های تولید از جمله راهکارهای پیشگیری از افزایش بیکاری است.

۱ ۱۴۵

اصلاح ساختار توزیع درآمد و عادلانه‌تر کردن آن و مقابله با فقر، مستلزم توانمندسازی افراد و به ویژه مولد کردن آن‌هاست.



۴ ۱۵۴

تغییر کمیت مصوت کوتاه به بلند

فش	زل	ض	ر	عا	ر	تب	ن	ش	رو	آ
-	-	↓	U	-	U	-	U	U	-	-
من	رب	اه	ی	را	ئ	رپ	ی	ی	رو	چن
-	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-

۴ ۱۵۲ خط خال / دانه / دام (لف و نشر مشوّش)

لفا ۲ لفا ۲ نشرا ۲

زلف / روی / شب / روز (لف و نشر مرتّب)

لفا ۲ لفا ۲ نشرا ۲

س	هپچ	ند	دا	ت	من	چن	فس	ت	هم	ر	یا	دا	مقا
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	↓	-	U	-
را	ب	ند	دا	ب	مت	قب	تد	ف	کو	خ	بر	ما	هی
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
م	ز	می	پا	ئی	تسی	باز	دس	م	تا	بی	را	تی	ذ
-	U	-	U	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
را	ب	یا	پا	بی	در	یا	تم	ش	پند	ما	پند	اک	نویلا
-	U	-	U	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-

۱ ۱۵۵

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) نور ظلمت / عفو خشم / آب آتش / مهر کین (لف و نشر مرتّب)

لفا ۲ لفا ۲ نشرا ۲ نشرا ۲

(۲) [ولی / عدوا / روز شب / وعده / وعید / نور ناز

لفا ۲ لفا ۲ نشرا ۲ نشرا ۲ نشرا ۲

(۳) خط لب طوطی / شکرستان / زلف رخ / تیره شب / ماهتاب (لف و نشر مرتّب)

لفا ۲ لفا ۲ نشرا ۲ نشرا ۲ لفا ۲ نشرا ۲

۲ ۱۵۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱)

ای	ض	با	با	د	م	من	کن	ن	ف	سی	هم	را	هی
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-
پ	سو	ی	شا	ه	ب	رز	من	ش	خ	نی	گر	خا	هی
-	↓	↓	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-

حذف همزه

(۳)

حذف همزه

گو	د	ر	مصر	ک	فر	عو	ن	د	رو	صد	بید	شت
-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	↓
نا	ع	زب	زست	ک	شد	یو	س	ف	گند	دم	چا	هی
-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-

حذف همزه

(۴)

حذف همزه

ام	ن	زب	خا	ک	چ	نا	رف	ت	ک	گر	یا	بد	باز
-	U	-	-	U	U	↓	-	U	U	-	-	-	↓
خو	ف	آن	نست	ک	از	آ	ب	ب	تر	سد	ما	هی	-
-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-	-	-

حذف همزه

تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه

۴ ۱۵۶

تغییر کمیت مصوت بلند به کوتاه

مصوت کوتاه به بلند

گر	ز	دس	ت	سا	قی	ی	تح	قیق	جا	می	خر	د	ای
-	U	-	↓	↓	↓	↓	-	U	-	-	U	-	-
می	پ	رس	تی	را	خ	قب	قت	دا	ن	هس	تی	را	م
-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	↓

۳ ۱۵۷ تقطیع بیت سوال:

رم	تا	گر	رپ	ببی	نید	لو	ف	ری	چش	مز	ت	رم
-	U	-	↓	↓	-	-	U	-	-	-	-	↓
در	غ	مت	از	لا	غ	ری	چن	شا	خ	ی	نید	لو
-	U	-	-	-	U	-	-	U	↓	↓	-	U

تقطیع گزینه (۳):

در	پ	یا	با	ن	چ	نویلا	سر	گش	ت	ام	چن	گر	د	باد
-	U	-	↓	↓	-	-	-	-	U	-	-	-	-	↓
هم	ز	هی	با	ید	م	را	مج	نو	ن	ص	ح	را	گر	د
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	↓

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن



وزن سایر گزینه‌ها:

- (۱) فعلاًت فعلاًت فعلاًت فاعلاتن
- (۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- (۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- (۴) مفعول فاعلاًت مفاعیل فاعلن

۱۵۸ ۴

چُن	پ	ه	وا	ی	مد	خ	ت	ز	ر	ش	و	د	ت	را	ن	ساز
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
حَا	سِ	ذ	تَر	سَ	مَ	عَ	اَکَل	مَ	زَ	مَ	آ	ه	نَا	ل	بَد	
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱)

تغییر کَمِیَّتِ مَصَوِّتِ کَوْتَاَه به بلند

حَا	د	سَ	مَ	رَا	ثَ	رَا	فَ	لَک	جَ	عَ	کَ	شَ	پَ	یَا	ل	بَد
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
دَش	مَ	نَ	دَل	سِ	یَا	هَ	ثَ	غَ	رَ	قِ	بَ	نَ	چَ	لَا	ل	بَد
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U

تغییر کَمِیَّتِ مَصَوِّتِ کَوْتَاَه به بلند

(۲)

اَی	مَ	هَ	بَر	چَ	مَ	زَ	لَ	جَ	مَ	چَ	رَا	غَ	عَا	تَ	مِ
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
بَا	دِ	یَ	صَا	فَا	دَا	ثَ	مَ	دَر	قَ	ذَ	خَ	پَ	یَا	لَ	بَد
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-

تغییر کَمِیَّتِ مَصَوِّتِ کَوْتَاَه به بلند

(۳)

تغییر کَمِیَّتِ مَصَوِّتِ کَوْتَاَه به بلند

نَهِ	طَ	بَ	فِ	یَ	پَهِ	زَ	قَر	صِ	یَ	مَا	هَ	خُر	کِ	هَسْت
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
بَر	تَ	پَ	خَا	نَ	قَسَمَ	تَ	سَهْمَلِ	تَ	رَیْزِ	نَ	وَا	لِ	بَاد	
-	U	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U

تقطیع بیت سؤال:

۱۵۹ ۲

پ	هَر	کَ	جَا	ر	سِ	دَم	زَ	خَو	بِی	یَ	تَ	شَ	نِ	دَم
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
چُ	رَوِ	یَ	خَوِ	پَ	تَ	دِ	هَ	نَوِ	زَ	بَهِ	تَ	زَ	زَا	نِی
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-

تقطیع گزینه (۲):

مَ	نَ	زَ	مِ	دِ	دِ	لَا	بَهِ	کِ	دَر	سَ	مَا	عَ	نَ	یَا	مِ
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
کَ	گَر	پَ	پَا	یَ	ذِ	رَا	مِ	پَ	دَر	بَ	رَنبَد	بَ	دَو	شَم	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	

وزن سایر گزینه‌ها:

- (۱) مفاعِلن فاعلاتن مفاعِلن فاعِلن
- (۲) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن
- (۳) فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن
- (۴) فعلاًت فاعلاتن فعلاًت فاعلاتن

۱۶۰ ۲

تغییر کَمِیَّتِ مَصَوِّتِ کَوْتَاَه به بلند

چُ	یَا	رَ	آ	نَا	شَا	نَا	اَز	مَا	چُ	نَا	بِی	گَا	مِ	نِی	گَر	دَد
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-
شَد	وَد	جَا	نَا	نَ	خِ	شَا	کَسَ	کِ	جَا	نِی	آ	شَا	نَا	دَا	رَد	
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-

تغییر کَمِیَّتِ مَصَوِّتِ کَوْتَاَه به بلند

اَ	زَا	دَل	بِ	تَ	گِ	دَا	رَد	دَل	لَ	مَا	بَا	تَ	رَ	زَل	فَش
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U
کِ	هَر	تَا	رِی	زَ	گِی	سَوِ	یَشَ	زَ	گِی	بَا	جَا	نَ	مَا	دَا	رَد
-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U

نوع را در عبارت سؤال و گزینه (۲): فک اضافه

پارسازادهای را نعمتی بی‌کران به دست افتاد: نعمت بی‌کران به دست پارسازادهای افتاد. در قیامت همه را چشم به سوئی: در قیامت چشم همه به سوئی.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) را (در «عشق را گفتم»): در معنی حرف اضافه «به» را (در «مرا»): نشانه مفعول
- (۲) رای مالکیت، همراه فعل اسنادی (بُود) در مصراع اول، به معنی «داشتن»
- (۳) رای مالکیت، همراه فعل اسنادی (بُود) در مصراع اول، به معنی «داشتن»
- (۴) رای نشانه مفعول (هر دو مورد)

۱۶۲ ۳

با توجه به معنی و آهنگ خواندن بیت‌ها، در سه بیت «ب، ج و ه» سخن شاعر در مصراع اول تمام نمی‌شود. دو بیت دیگر، هر کدام مصراع‌های مستقل دارند.

۱۶۳ ۲

مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) عشق موجب ارزشمندی‌ست.
- (۲) توصیف بارش باران صبحگاهی و طبع شاعری لطیف و ارزشمند سراینده
- (۳) لازمهٔ وصال، ترک وجود مادی‌ست.

۱۶۴ ۳

(الف) تشبیه: تشبیه نحوهٔ ساختن حجره، به چیزی که هم اکنون ساخته شده (با استفاده از «بدین‌سان»)

(ج) تشبیه: مرد به تو

(د) تشبیه: یار به کیمیا، صدف و دُر

بررسی بیت «ب»:

چون: هنگامی که



زبان عربی (اختصاصی)

■ درست‌ترین و دقیق‌ترین جواب را در ترجمه یا تعریب یا مفهوم مشخص کن (۱۸۵-۱۸۱):

۱۸۱) ۲) ترجمه کلمات مهم: إنما: فقط، تنها / ولّی: سرپرست، دوست / اذّین: کسانی که / آمنوا: ایمان آوردند

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱) این ترجمه برای عبارتی دیگر است، «جز» اصلاً معادلی در متن ندارد، «آمنوا» باید ماضی ساده ترجمه شود نه بعید، «رسوله»: فرستاده او
- ۲) «إنما» ترجمه نشده است، «به او» معادلی ندارد.
- ۳) «إنما» در ترجمه لحاظ نشده است، ضمناً ساختار عبارت در ترجمه به هم خورده است.

۱۸۲) ۴) ترجمه کلمات مهم: إذا: هرگاه، اگر، چنانچه / قَدَرْتُ علی: چیره گشتی، سیطره داشتی / أَعْفُ عنه: از او درگذر / لا شيء: هیچ چیزی / أجمل: زیباتر

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱) «عنه» ترجمه نشده است.
- ۲) عدم ترجمه «علی»، «مغلوب تو گشت» ترجمه نادرستی است، «لا» ی نفی جنس ترجمه نشده است.
- ۳) «شکست دادی» نادرست است، «علی» و «عنه» ترجمه نشده است.

۱۸۳) ۳) ترجمه کلمات مهم: هذه الجائزة التي: این جایزه که / خصّصت: در نظر گرفته شده است، اختصاص داده شده است / لنشر السلام: برای گسترش صلح / قد لا تُعطى: ممکن است (شاید) داده نشود / لیسن: به کسی که / هو أهل لها: شایسته آن است

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱) ترجمه قسمت دوم گزینه، ترجمه این عبارت است ← «قد تُعطى لمن هو لیس أهل لها»
- ۲) «این جایزه‌ای است که» ترجمه این ترکیب است ← «هذه جائزة...»، «تنها» معادل ندارد، «اما» نادرست است، «لا تُعطى» مضارع منفی است، «أهل لها» ← «شایسته آن است»
- ۳) «این جایزه‌ای است که» نادرست است، «در حالی که» نادرست است.

اشتباهات بارز سایر گزینه‌ها:

- ۱۸۴) ۱) «نیامد» ماضی است و باید با «لم» بیاید ← «لم یحصُر»
- ۲) «گردشگران» معرفه است نه نکره، ضمیر «هم» در «لديهم» اضافی است.
- ۳) «بییما»: در حالی که» نادرست است، ضمناً «كان لم یحصُر» معادل ماضی بعید است.

۱۸۵) ۳) ترجمه عبارت سؤال: «دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.»

این عبارت با گزینه (۳) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «اگر انسان دانا و خردمند به تو زهر داد بخور و به او اعتماد کن اما اگر نادان به تو شربت گوارا داد، قبول نکن.» ■ گزینه مناسب را در پاسخ به سوالات زیر مشخص کن (۱۹۰-۱۸۶):

دلیل رد سایر گزینه‌ها:

- ۱۸۶) ۲) «أفلیح» لازم است نه متعدی / جمله فعلیّه است نه اسمیّه.
- ۳) «صلاه» مفرد مؤنث است.
- ۴) «خاشعون» نکره است.

دلیل رد سایر گزینه‌ها:

- ۱۸۷) ۴) در این گزینه اسم علم وجود ندارد.
- ۲) در این گزینه اسم فاعل دیده نمی‌شود: «خوایج» جمع «حاجة» اسم فاعل نیست.
- ۳) در این آیه حال وجود ندارد. ← «سَقفا» مفعول دوم است و «مَحفوظاً» صفت است.

۱۸۸) ۱) اسم «لیت» و «حروف مشبّهة بالفعل» منصوب است. ← «لیتُ المسلمین ...»

۱۸۹) ۴) در این گزینه اسم مکان نداریم.

بررسی گزینه‌ها:

- ۱) اکبر: اسم تفضیل / مَکائِب: اسم مکان
- ۲) متَجَرّ: اسم مکان / أَفْضَل: اسم تفضیل
- ۳) مَصْنَع: اسم مکان / أَرْحَض: اسم تفضیل
- ۴) أَثْقَل: اسم تفضیل

۱۹۰) ۳) در جمله «حالیّة» گزینه (۳) خبر مرفوع است زیر جمله اسمیه است. ← «و هم جالسون»

تاریخ

۱۹۱) ۳) وقتی ژاپن که کشوری آسیایی بود در جنگ با روسیه (۱۹۰۴-۱۹۰۵ م) به پیروزی رسید، حقارت و ضعف سلسله قاجار بیش از پیش آشکار شد.

۱۹۲) ۲) به رغم رکودی که در صنایع دستی ایران به ویژه از نیمه دوم عصر قاجار به وجود آمد، تولید فرش و صادرات آن به کشورهای جهان، به ویژه اروپا و آمریکا، رشد چشمگیری پیدا کرد.

۱۹۳) ۱) با سقوط صفویان و آغاز بحران‌های شدید سیاسی و نظامی، کشور ما در عرصه اقتصادی و تولید دچار رکود فراوانی شد؛ اما با به قدرت رسیدن قاجاریه و فروکش کردن جنگ‌های داخلی، مجدداً در اوایل دوره قاجار صنایع دستی در ایران رشد و رونق یافت در این زمان، به علت جنگ‌های ناپلئون کالاهای صنعتی اروپایی چندان به ایران وارد نمی‌شد، اما صنایع دستی ایران مانند منسوجات ابریشمی، شال، مخمل، زری‌باف، ظروف سفالی و لعاب‌دار، مینت‌کاری، قلم‌کاری، خانم‌کاری و انواع اسلحه گرم و سرد، با کیفیت خوب تولید می‌شدند.

۱۹۴) ۴) بلافاصله پس از صدور فرمان مشروطه، هیئتی شامل نمایندگان بازرگانان، اصناف، روحانیان و روشنفکران تشکیل شد و اقدام به تدوین نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی کرد.

۱۹۵) ۴) در دوره قاجار، نظام تعلیم و تربیت سنتی ایران تداوم و گسترش یافت. در آن زمان سوادآموزی مقدماتی در مکتب‌خانه‌ها یا از طریق معلمان خصوصی و یا معلمان سرخانه انجام می‌گرفت. دانش‌آموزانی که توانایی مالی و علاقه به ادامه تحصیل داشتند، وارد مدرسه‌های قدیم و حوزه‌های علمیه می‌شدند. در این مراکز آموزشی، علوم نقلی و عقلی تعلیم داده می‌شد.

۱۹۶) ۳) نخستین مدرسه‌های جدید را مسیونرهای اروپایی در ایران تأسیس کردند.

۱۹۷) ۴) طیف گسترده‌ای از گروه‌ها و قشرهای اجتماعی عمدتاً شهری مانند روحانیان، بازرگانان، روشنفکران، اصناف و پیشه‌وران، زنان و کارگران در انقلاب مشروطه مشارکت داشتند و رهبری انقلاب بیش‌تر در اختیار سه گروه نخست بود.



۱۹۸ | ۱

قانون اساسی مشروطه که با عجله تدوین و به امضای مظفّرالدین شاه رسیده بود، بیشتر به طرز کار مجلس شورای ملی مربوط می‌شد. به همین سبب، متممی برای آن تدوین شد که مشتمل بر اصول اساسی درباره حقوق و تکالیف متقابل دولت و ملت بود و محمدعلی شاه با اکره و به ناگزیر آن را تأیید کرد.

۱۹۹ | ۲

عمده اصول قانون اساسی مشروطه و متمم آن، از اصول قانون اساسی کشورهای فرانسه و بلژیک اقتباس شده بود.

۲۰۰ | ۳

پس از فتح تهران، مجلسی از بزرگان مشروطه تشکیل شد. این مجلس محمدعلی شاه را از سلطنت برکنار کرد و پسر خردسالش، احمد میرزا را به جانشینی او برگزید، هم‌چنین با تعیین مقرری برای شاه برکنار شده، به او اجازه داد از کشور خارج شود. یک دولت موقت را نیز برای اداره امور کشور انتخاب کرد. مجلس مذکور، هم‌چنین برای محاکمه و مجازات مخالفان مشروطه، دادگاه ویژه‌ای تشکیل داد. این دادگاه شیخ فضل‌الله نوری و چند نفر دیگر را به اعدام محکوم کرد.

۲۰۱ | ۳

در دوره اشکانیان، گاه‌شماری‌های بابلی، سلوکی و اوستایی متداول بود.

۲۰۲ | ۲

در مرحله کشف و شناسایی، باستان‌شناسان برای کشف آثار باستانی و تاریخی، علاوه بر رجوع به کتاب‌های تاریخی، سفرنامه‌ها و ... از ابزارها و فناوری‌های جدید و پیشرفته‌ای مانند پهپادها، رادارها، عکس‌های هوایی، تصاویر ماهواره‌ای، روش‌های الکترومغناطیسی و سامانه اطلاعات جغرافیایی که قابلیت زیادی در نقشه‌برداری، کشف و بازسازی دقیق محوطه‌ها و آثار باستانی دارند، استفاده می‌کنند.

۲۰۳ | ۱

در دوره امپراتوری قدیم، قدرت فرعون‌ها در اوج بود.

۲۰۴ | ۳

واژه تاریخ دارای معانی مختلفی است. گاهی منظور از آن، مجموعه حوادث و رویدادهایی است که یک فرد یا یک جامعه از سر گذرانده است. عباراتی مانند «تاریخ ایران» یا «تاریخ باستان» به چنین معنایی از تاریخ اشاره دارند.

۲۰۵ | ۴

بهره‌گیری از گذشته برای حال و آینده: مطالعه تاریخ به ما کمک می‌کند تا بفهمیم که فرهنگ‌ها و جوامع بشری چگونه و تحت تأثیر چه عوامل و شرایطی به وجود آمده، پیشرفت کرده و به وضعیت امروزی رسیده‌اند. بدین‌گونه، علم تاریخ ما را در ارزیابی و شناخت درست اوضاع و شرایط کنونی جامعه خویش و سایر جوامع و نیز ترسیم آفت آینده، کمک کند.

۲۰۶ | ۳

شناسایی منابع: در این مرحله، پژوهشگر پس از شناسایی منابع و اسناد تحقیق، میزان اعتبار، دقت و صحت آن‌ها را ارزیابی می‌کند؛ مثلاً نویسندگان منابع چه کسانی بوده‌اند؟ چه گرایش دینی، اجتماعی یا سیاسی داشته‌اند؟ آیا خود شاهد وقایع بوده‌اند یا از زبان دیگران حوادث را نقل کرده‌اند؟ تا چه اندازه در نقل رویدادها دقت و صداقت داشته‌اند؟

در تدوین پرسش‌های تحقیق، پرسش‌های پژوهش اغلب درباره زمینه‌ها، علت‌ها، آثار و نتایج رویدادها و یا نقش افراد و گروه‌های درگیر در رویدادها، مطرح می‌شوند.

۲۰۷ | ۲

ابن‌خلدون، اندیشمند مسلمان تونسسی که در قرن ۸ ه. ق. می‌زیست، بخشی از مقدمه کتاب العبر خود را به تأثیر جغرافیا و اقلیم بر تاریخ، اخلاق و رفتار آدمیان اختصاص داده است.

۲۰۸ | ۱

مبدأ گاه‌شماری اوستایی به تخت نشستن هر پادشاه بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) رویدادهای تاریخی سرزمین‌ها و کشورهای مختلف از جمله کشور ما با چند نوع گاه‌شماری، ثبت و نگارش یافته‌اند.

۳) گاه‌شماری اوستایی در هر ۴ سال، یک شبانه‌روز از سال حقیقی عقب می‌افتاد.

۴) گاه‌شماری اوستایی در دوره ساسانیان به عنوان تقویم رسمی عمومیت یافت.

۲۰۹ | ۴

تپه‌های باستانی یکی دیگر از مکان‌های مهم باستان‌شناختی به شمار می‌روند. هنگامی که در دوره‌های زمانی مختلف به تناوب مردمانی در یک مکان سکونت نمایند، به تدریج چند لایه باستانی روی هم قرار می‌گیرند و تپه‌های باستانی را شکل می‌دهند.

۲۱۰ | ۴

در حدود ۲۴۰۰ ق.م. قوم اکدی که در مرکز بین‌النهرین می‌زیست، به فرماندهی سارگن بر کشور - شهرهای سومری مسلط شدند. سارگن سپس سراسر بین‌النهرین را به زیر فرمان خود آورد و امپراتوری بزرگی را تشکیل داد که از سواحل شرقی دریای مدیترانه تا کوه‌های زاگرس امتداد داشت. این امپراتوری مردمان و اقوامی را که دارای اندیشه، آداب و رسوم، صنعت و هنر گوناگونی بودند، یکپارچه و متحد ساخت.

۲۱۱ | ۳

در روش تاریخ‌نگاری ترکیبی، مورخ ناچار به گزینش و انتخاب است و امکان دارد برخی از جنبه‌های خبر از چشم او دور بماند.

۲۱۲ | ۴

از نمونه‌های تاریخ منظوم می‌توان به کتاب ظفرنامه حمدالله مستوفی و شاه‌اسماعیل‌نامه قاسمی حسینی گنابادی درباره فتوحات مؤسس سلسله صفوی، شاه اسماعیل اول اشاره کرد.

۲۱۳ | ۱

معدودی از عرب‌ها بودند که به پیروی از حضرت ابراهیم (ع)، از پرستش بت‌ها امتناع می‌کردند و از گوشت قربانی آن‌ها نمی‌خوردند. اینان به حنفا معروف شدند.

۲۱۴ | ۳

هنگامی که رسول خدا (ص) تصمیم به محاصره یهودیان بنی‌نضیر گرفت، سردسته منافقان، یهودیان را تشویق به مقاومت کرد و به آنان وعده یاری داد. عبدالله بن ابی‌هم‌چنین می‌کوشید که انصار را علیه مهاجران تحریک نماید. او حتی در غزه‌های احد و تبوک، به همراه یارانش از سپاه اسلام جدا شد و در جنگ شرکت نکرد.

۲۱۵ | ۳

دشمنی و درگیری مشرکان با اشخاصی مانند پیامبر (ص) و دیگر مسلمانانی که متعلق به طایفه و قبیله نیرومندی بودند، چندان آسان نبوده زیرا ممکن بود تعصبات طایفه‌ای و قبیله‌ای را برانگیزد و باعث ایجاد جنگ و خونریزی شود.

یادآور: گزینه (۳) از دلایل دشمنی مشرکان مکه با اسلام بود.

۲۱۶ | ۳

حضرت محمد (ص) در سال ۱۱ بعثت، شش نفر از مردم یثرب را که برای انجام مراسم حج به مکه آمده بودند، به اسلام دعوت کرد. آنان مسلمان شدند و پس از بازگشت به شهر خود به تبلیغ اسلام پرداختند. سال بعد، ۱۲ مرد یثربی، هنگام مراسم حج در مکانی موسوم به عقبه در یثرب، با پیامبر (ص) بیعت کردند. این بیعت در تاریخ به پیمان عقبه اول معروف شده است.

۲۱۷ | ۴

هنوز نشانه‌هایی از دین ابراهیمی نزد ساکنان شبه‌جزیره عربستان وجود داشت و برخی از عرب‌ها از جمله مردم شهر مکه، «الله» را آفریننده جهان می‌دانستند.



- ۲۲۳۷ در مرحله آخر (پنجم)، پژوهشگر با نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات، پاسخ مسئله پژوهش را می‌یابد.
- ۲۲۳۸ به نظر می‌رسد وجود زمینه‌های مناسب اشتغال، عامل افزایش جمعیت شهر کرج است. ← تدوین فرضیه
- عوامل مؤثر در افزایش جمعیت شهر کرج در دهه اخیر چیست؟ ← طرح سؤال و بیان مسئله
- ۲۲۳۹ تدوین فرضیه به فعالیت‌هایی که قرار است انجام شود، جهت می‌دهد و یکی از مراحل حساس پژوهش است.
- بررسی عبارتهای نادرست:**
- الف و د) مربوط به طرح سؤال و بیان مسئله هستند.
- ۲۲۴۰ ابزارهای گردآوری اطلاعات میدانی شامل پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده است.
- ۲۲۴۱ انتخاب معیارها و ملاکها برای تعیین حدود یک ناحیه، به هدف مطالعه و تحقیق جغرافیایی دان بستگی دارد.
- ۲۲۴۲ چهار زبان رسمی در کشور سوئیس آلمانی، فرانسوی ایتالیایی و رمانش است.
- ۲۲۴۳ جغرافی دانان براساس میانگین بارندگی سالانه، توزیع فصلی بارش و بالاترین میزان بارش روزانه، ایران را به شش ناحیه بارشی تقسیم کرده‌اند.
- ۲۲۴۴ رور ← آلمان
- بوهیمیا ← جمهوری چک
- ۲۲۴۵ (الف) ← ساوان پراکنده
- (ب) ← بیابان
- ۲۲۴۶ در مجاورت مرز کشورهای ایالات متحده آمریکا و مکزیک، زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی رواج دارند.
- ۲۲۴۷ مردم مسلمان میانمار در پی پاکسازی قومی به مرزهای بتنگلادش مهاجرت کردند.
- ۲۲۴۸ با ساخته شدن جزایر مصنوعی در کشور امارات، خاک‌برداری و گل آلوده شدن وسیع آب به بوم‌سازگان (اکوسیستم) دریایی و آب‌سنگ‌های مرجانی محیط زیست خلیج فارس آسیب رسانده است.
- ۲۲۴۹ عوامل انسانی در ناحیه‌بندی شامل جمعیت، اقوام، دین، زبان، فرهنگ، نوع فعالیت‌های اقتصادی و نظایر آن می‌باشد.
- ۲۲۵۰ (الف) هر ناحیه جغرافیایی دارای کانون یا مرکزی است که بیش‌ترین عوامل وحدت و همگونی در آن وجود دارند. ← ص
- (ب) هر چه از کانون یک ناحیه جغرافیایی دور شویم و به طرف مرزها حرکت کنیم، به تدریج از عوامل همگونی آن ناحیه کاسته می‌شود. ← ص
- (ج) در نواحی انسانی مانند نواحی زبانی و قومی، تعیین مرز نواحی دشوارتر از نواحی طبیعی است. ← ص
- (د) مرزهای سیاسی و اداری بر مبنای انتخاب و تصمیم‌گیری انسان‌ها تعیین می‌شوند. ← ص

- ۲۲۱۸ ۱ تاریخ‌نگاری روایی در آغاز برای ثبت و ضبط سخنان و سیره پیامبر (ص) و صحابه ایشان به کار گرفته می‌شد، ولی بعدها برای ثبت وقایع دوران‌های بعدی نیز از این روش استفاده شد.
- ۲۲۱۹ ۳ کتاب فتوح‌البلدان، از نمونه‌های مشهور تاریخ‌نگاری ترکیبی است.
- ۲۲۲۰ ۲ از معروف‌ترین آثار تاریخی محلی می‌توان به تاریخ سیستان از مؤلفی ناشناخته اشاره کرد.

جغرافیا

- ۲۲۲۱ ۲ داده‌ها و اطلاعات دو مؤلفه دارند: موقعیت جغرافیایی دارند (داده‌های مکانی) و دارای ویژگی‌هایی هستند (داده‌های توصیفی).
- ۲۲۲۲ ۴ اطلاعات خروجی به صورت اشکال، نقشه، نمودار، جدول، متن، گزارش و ... نمایش داده می‌شود.
- ۲۲۲۳ ۲ راه‌ها و چابارخانه‌ها ← هخامنشیان
- جاده‌های سنگ‌فرشی گسترده و طولانی ← امپراتوری روم
- ۲۲۲۴ ۴ اهمیت زیست‌محیطی: حمل و نقل بر زمین، آب و هوا تأثیر می‌گذارد.
- ۲۲۲۵ ۴ اختراع موتور بخار تحول بزرگی در حمل و نقل آبی و ریلی به وجود آورد.
- ۲۲۲۶ ۱ تعداد و مسافت آزادراه‌ها و بزرگراه‌های کشور نسبت به یک دهه قبل به ترتیب دو و سه برابر شده است.
- ۲۲۲۷ ۳ حمل و نقل ریلی برای مسافت‌های «نسبتاً دور» مناسب است.
- ۲۲۲۸ ۴ **بررسی عبارتهای نادرست:**
- الف) ماهیت حمل و نقل اساساً جغرافیایی است.
- ب) جغرافیای حمل و نقل، شاخه‌ای از جغرافیای اقتصادی محسوب می‌شود.
- ۲۲۲۹ ۳ در اوایل قرن نوزدهم، نخستین لوکوموتیوهای مجهز به موتور بخار در انگلستان ساخته شدند.
- ۲۲۳۰ ۲ اولین هواپیمای جت در آلمان ساخته شد.
- ۲۲۳۱ ۳ واژه جغرافیا که اولین‌بار توسط اراتوستن ارائه شد، شامل کلمات GEO (زمین) و GRAPHY (توسیم و توصیف) است.
- ۲۲۳۲ ۲ زیست‌شناسی ← جغرافیای طبیعی
- هواشناسی ← جغرافیای طبیعی
- جمعیت‌شناسی ← جغرافیای انسانی
- ۲۲۳۳ ۴ دو مفهوم مهم در علم جغرافیا، مکان و روابط متقابل انسان و محیط است.
- ۲۲۳۴ ۳ جغرافی دانان با دید ترکیبی یا کل‌نگری، موضوعات را مطالعه و بررسی می‌کنند.
- ۲۲۳۵ ۲ چه چیز ← ماهیت هر پدیده یا مسئله
- چطور ← بررسی سیر تکوین و تحول پدیده
- ۲۲۳۶ ۱ بی‌توجهی به تثبیت خاک ← چه کسی
- از بین رفتن دریاچه‌ها ← چطور
- تداوم خشکسالی در سال‌های اخیر ← چرا



جامعه‌شناسی

۲ ۲۵۱

یکسان دانستن طبیعت و جامعه، انسان‌ها را به پیچ و مهره‌های نظم اجتماعی تقلیل می‌دهد. برداشت روزافزون از منابع تجدیدنظرپذیر، از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در محیط ایجاد می‌کند. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، با محدود دانستن دانش علمی به دانش تجربی صرفاً تبیین‌های تجربی به رسمیت شناخته می‌شد.

۲ ۲۵۲

بررسی عبارت نادرست:

ج) جامعه‌شناسی تبیینی جامعه و نظم اجتماعی را براساس مناسبات بیرونی توضیح می‌دهد و این روابط و مناسبات را مبتنی بر قرارداد، ترس و اجبار می‌داند. جوامعی که نظم اجتماعی را از این منظر برقرار می‌سازند، شاید با تهدید، تطمیع و اجبار قادر باشند پیش‌بینی رفتارها را تضمین کنند، اما در جلب مشارکت و همکاری افراد بر اساس میل، رضایت و رغبت موفق عمل نمی‌کنند.

۱ ۲۵۳

اگر جامعه را هم‌چون طبیعت تصور کنیم و آن را دستاوردی انسانی ندانیم، یعنی آن را واقعیتی بیرونی تصور کنیم که با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت، اداره می‌شود، در آن صورت ما فقط می‌توانیم از دانش‌های ابزاری خود استفاده کنیم و جامعه و پدیده‌های اجتماعی را بشناسیم، اما نمی‌توانیم تغییری بنیادین در جامعه به وجود آوریم.

جامعه‌شناسی تبیینی همان رویکرد پوزیتیویستی به معنی وحدت روش علوم است.

جامعه‌شناسی تبیینی، جامعه را صرفاً یک پدیده طبیعی پیچیده می‌داند و تفاوت میان جوامع مختلف را تنها تفاوتی کمی می‌بیند.

۴ ۲۵۴

رشد جمعیت از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در خود ایجاد می‌کند.

موفقیت‌های دانشمندان علوم طبیعی، باعث شد جامعه‌شناسان علاقه‌مند شوند تا شباهت‌های جامعه و پدیده‌هایی هم‌چون ماشین و بدن انسان را برجسته کنند و نظم جامعه را همانند نظم میان اعضای بدن یا اجزای ماشین بدانند.

هدف جامعه‌شناسی تبیینی، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های اجتماعی است.

روش جامعه‌شناسی تبیینی، حس و تجربه (نگاه از بیرون) است.

۲ ۲۵۵

پوشش دانشجویان ترکیه علیه قانون منع حجاب در مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات دولتی به این موضوع اشاره می‌کند که زندگی اجتماعی انسان و نظم، هم‌راهِ یک‌دیگرند اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند، بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند.

«اوردوس» بزرگ‌ترین شهر متروکه جهان است که با وجود سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت چین برای تشویق و ترغیب هزاران نفر به سکونت در آن، تقریباً خالی از سکنه مانده و این مثال به این موضوع اشاره می‌کند که رویکرد تبیینی بر آن چه مشاهده می‌شود، تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آن چه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.

اندازه‌گیری اجزای بدن در ایام جنگ جهانی دوم برای تعیین این‌که چه کسی از نژاد برتر برخوردار است، نشان‌دهنده تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده است ولی انسان‌ها در کنش‌هایشان به دنبال تحقق اهداف و ارزش‌هایی هستند که دیگران نمی‌توانند آن‌ها را مشاهده کنند (ارزش‌زدایی).

۲ ۲۵۶

همراهی همدلانه به معنی تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه کردن به مسائل انسان‌ها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آن‌ها است.

ماکس وبر از اسطوره نظمی که هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد، به قفس آهنین تعبیر می‌کند.

کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد، زیرا اگرچه حس و تجربه از ابزارهای مهم شناخت علمی هستند اما روش تجربی نتوان فهم معنای کنش انسان‌ها را ندارد.

۱ ۲۵۷

تأکید بر آگاهی و معنا از سوی نظریه‌پردازان کنش اجتماعی مسیر را برای عبور از جامعه‌شناسی تبیینی و روی آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری هموار ساخت.

با این‌که فضای مجازی معنای به‌روز بودن را در خود دارد، ولی سبب می‌شود که فرد کاربر از زمان و مکان خود جدا شود، با وجود دسترسی به مطالب زیاد و متنوع از دسترسی به مطالب مهم محروم گردد، با وجود آزادی و قدرت، تحت کنترل قرار بگیرد و با وجود سرگرم شدن، سطحی شود.

کسانی که فقط روش‌های تجربی را مقبول می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، مذهبی و ... دچار اخلاق‌گریزی می‌شوند.

انقلاب‌های اجتماعی، اندیشه‌های جدید، شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی پدید می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر می‌گذارد، مثل گالیله که روش تجربی را در دورانی به کار گرفت که شهود تنها روش علمی قابل قبول بود.

۳ ۲۵۸

نظم اجتماعی و خلاقیت دو بال موفقیت انسان‌ها هستند. به دلیل اخلاق‌گریزی، پیشرفت‌های چشمگیر جهان غرب در حوزه صنعت و فضا به فراگیرتر و عمیق‌تر شدن فجایع انسانی و زیست‌محیطی منجر شده است. ارتباط میان پدیده‌های اجتماعی، ساختار اجتماعی نامیده می‌شود.

برگزاری جشنواره‌های زیبایی در روزگار ما، نشان‌دهنده تأکید افراطی بر امور قابل مشاهده است که از مصادیق ارزش‌زدایی می‌باشد.

۲ ۲۵۹

آشنایی‌زدایی از پیامدهای نادیده گرفتن کنش اجتماعی نمی‌باشد.

۲ ۲۶۰

بررسی عبارت‌های نادرست:

الف) در رویکرد جامعه‌شناسان کنش اجتماعی، فلزات نقطه جوش و ذوب مخصوص خود را دارند، اما انسان‌ها این‌گونه نیستند.

ج) مشکلات و مسائل اجتماعی، آن‌چنان که به نظر می‌رسند، بیرون از دایره نفوذ و تأیید ما نیستند و این‌گونه نیست که فقط افراد خاصی بتوانند بر آن‌ها تأثیر بگذارند.

۲ ۲۶۱

دانش آموز ← اکتسابی، اجتماعی، متغیر

راستگو ← اکتسابی، فردی، متغیر

ایرانی ← انتسابی، اجتماعی، ثابت

۲ ۲۶۲

فرهنگی‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیش‌تری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقتضایی بیش‌تری برخوردارند.

هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیش‌تری قرار می‌گیرد؛ بازتولیدش با مشکل مواجه می‌شود و بقای آن تهدید می‌شود.

به اعمال افرادی که به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند و رفتارهای مخالف آن را انجام می‌دهند، کژروی اجتماعی می‌گویند.



۲۲۲) ۱ نظریه‌پردازان لیبرال، آزادی فعالیت صاحبان سرمایه را

ضامن پیشرفت جامعه می‌دانستند.

ریکاردو، اقتصاددان مخالف دخالت دولت در اقتصاد می‌باشد.

اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی در نقد لیبرالیسم اولیه، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته‌اند.

۲۲۴) ۲ آمریکا و شوروی به عنوان دو قطب اصلی چالش بلوک شرق

و غرب به فرهنگی واحد تعلق داشتند و هر دو بلوک درون فرهنگ غرب حضور داشتند.

۲۲۵) ۴ بررسی عبارت‌های نادرست:

ج) رویکرد مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود و در چارچوب همان بنیان‌های فرهنگ غرب به حل چالش‌های جامعه خود می‌پرداخت.

د) لیبرالیسم روابط اجتماعی ارباب - رعیتی را درهم ریخت و کشاورزان را از بردگی رها کرد.

۲۲۶) ۲ اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی مانند آیزایا برلین در

نقد لیبرالیسم اولیه، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته‌اند.

ریکاردو: «اگر حکومتگران ما بگذارند سرمایه، پرسودترین راه خود را دنبال کند، کالاها قیمت مناسب خود را داشته باشند، استعداد و تلاش به پدایش طبیعی خود برسد و بلاهت و حماقت نیز مجازات طبیعی خود را ببینند، پیشرفت کشور را به بهترین وجه تأمین خواهند کرد.»

دیکتاتور در زمان «الیور تویتس»، نوانخانه‌ها و فیلسوفانی را که مدافع آن‌ها بودند، به سخره گرفت.

از نظر مالتوس، کسانی که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند. او در این باره گفته است: «... بر سر سفره گسترده طبیعت جایی برای او وجود ندارد ...»

۲۲۷) ۴ جامعه آرمانی مارکس از فردگرایی لیبرالیستی و اقتصاد

سرمایه‌داری عبور می‌کرد، مالکیت خصوصی را از بین می‌برد و صورتی سوسیالیستی و کمونیستی پیدا می‌کرد.

۲۲۸) ۴ آمریکا و شوروی به عنوان دو قطب اصلی چالش بلوک شرق و

غرب، به فرهنگی واحد تعلق داشتند و هر دو بلوک درون فرهنگ غرب حضور داشتند.

در کشورهای سوسیالیستی طبقه جدیدی شکل گرفت که نه براساس ثروت، بلکه براساس قدرت سازمان می‌یافت.

لیبرالیسم اولیه با تکیه بر شعار آزادی خصوصاً آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت.

جامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند.

۲۲۹) ۲ لیبرالیسم اولیه با تکیه بر شعار آزادی و به ویژه آزادی

اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت.

سوسیالیسم و کمونیسم - در مقابل فردگرایی لیبرال - دو رویکرد جامعه‌گرا هستند.

در جامع سوسیالیستی به بهانه عدالت اقتصادی، نه تنها آزادی معنوی، بلکه آزادی دنیوی افراد نیز از بین رفت.

۲۳۰) ۲ مارکس، سوسیالیسم را مرحله‌ای انتقالی برای رسیدن به

کمونیسم می‌دانست.

سوسیالیسم به مالکیت خصوصی معتقد است ولی برخلاف سرمایه‌داری آن را مطلق نمی‌داند.

نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت.

۲۴۲) ۲ ابعاد هویتی از یکدیگر جدا نیستند و با یکدیگر تعامل یا

ارتباط دوسویه دارند، همان‌طور که جهان اجتماعی و نفسانی با یکدیگر در ارتباطند ← یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد.

۲۴۴) ۱ هویت هر جهان اجتماعی، براساس عقاید، آرمان‌ها و

ارزش‌های کلان آن جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. هر جهان اجتماعی براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی جهان متجدد و ارزش‌های آن به گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت مجاز می‌داند. انسان در این جهان هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیش‌تر از طبیعت انجام می‌دهد. در جهان معنوی اسلام، طبیعت به عنوان موجودی زنده، آیت و نشانه خداوند محسوب می‌شود.

۲۴۵) ۳ بررسی عبارت نادرست:

د) زندگی یا تنبلی، صبوری یا زودرنجی و ... ویژگی‌های فردی ما هستند.

۲۴۶) ۳ هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل

اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیش‌تری قرار می‌گیرد.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.

همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند،

کژروی اجتماعی می‌گویند.

۲۴۷) ۳ هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش

عمل کنند، تشویق می‌کند و به آن‌ها پاداش می‌دهد.

۲۴۸) ۴ خانواده از نهادهای اجتماعی است.

جامعه‌پذیری مترادف فرهنگ‌پذیری می‌باشد.

چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی را بازتولید هویت اجتماعی می‌گویند.

افتتاح روشی است که به واسطه آن فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

۲۴۹) ۳ بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردن آن‌ها نقشی نداریم،

اما می‌توانیم با تلاش و کوشش خود، آن‌ها را تغییر دهیم، مانند منزلتی که از طریق خانواده‌مان به دست می‌آوریم و با کنش‌هایمان آن را تغییر می‌دهیم.

۲۵۰) ۳ جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و

شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان

اجتماعی و حقوق و تکالیفی که برعهده دارد، آشنا می‌شود.

۲۵۱) ۴ نظریه‌پردازان لیبرال، آزادی فعالیت صاحبان سرمایه را ضامن

پیشرفت جامعه می‌دانستند و مخالف هر نوع مداخله دولت در اقتصاد بودند.

سرمایه‌داران آزادانه به بهره‌کشی از کارگران پرداختند.

۲۵۲) ۲ توماس مالتوس و دیوید ریکاردو هر دو از نظریه‌پردازان

لیبرال بودند.

حاکمیت لیبرالیسم اقتصادی موجب آن شد که دولتمردان انگلیسی از هر اقدامی برای مقابله با فحطی ایرلند خودداری کنند.

از نظر مارکس، حل چالش‌های جامعه سرمایه‌داری، فقط با یک انقلاب قابل حل بود.

**فلسفه و منطق**

۲۸۱) آثار مدون و مکتوب چندانی از آن دوره به ما نرسیده است.

۲۸۲) بررسی سایر گزینه‌ها؛

۱) ایران باستان نخستین پرتو و مخلوق خدا را بهمین می‌نامید.

۲) در یونان باستان یکی از خدایان زئوس نام داشت.

۳) حکما در آن زمان شناختی روشن از مبدأ هستی داشتند.

۲۸۳) ۴) در نگاه هیوم، نظم جهان قابل مشاهده حسی است و با

مشاهده آن صرفاً یک ناظم و مدبر برای جهان اثبات می‌شود، اما خدایی با

صفات نامتناهی و واجب اثبات نمی‌شود؛ زیرا این صفات حسی و تجربی

نیستند و نمی‌توان از مقدمات حسی، یعنی مشاهده نظم، هیچ نتیجه

غیرحسی حاصل کرد.

۲۸۴) ۲) در برهان اخلاقی کانت بر مبنای اختیار و اراده، نفس مجرد و

نظم اجتماعی، وجودی نامتناهی ثابت می‌شود؛ پس وجود نامتناهی مبنای

این برهان نیست، بلکه نتیجه آن است.

۲۸۵) ۲) فلاسفه غربی قرن بیست و یک براساس معناداری زندگی خدا

را اثبات می‌کنند (نتیجه).

۲۸۶) ۲) گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) نشان می‌دهند که ما اعتقاد داریم که

از علت خاص معلول خاص حاصل می‌شود که نتیجه اصل سنخیت است، اما

گزینه (۲) صرفاً اعتقاد به اصل علیت و وجوب بخشی را نشان می‌دهد.

۲۸۷) ۱) گویی نوزاد می‌داند که هیچ حادثه‌ای بی‌علت نیست و با

شنیدن صدا به دنبال منشأ صدا و علت آن می‌گردد که این نتیجه اصل

وجوب بخشی علت به معلول است.

۲۸۸) ۳) صرفاً با انکار اصل علیت نمی‌توان اتفاق به معنای سوم را

پذیرفت بلکه باید وجود علت‌العلل را نیز انکار کرد.

۲۸۹) ۲) معنای سوم اتفاق این است که غایت و نظم خاصی در جهان

موجود نیست و برای پذیرفتن این معنای اتفاق علاوه بر انکار لوازم اصل

علیت باید وجود علت‌العلل را نیز انکار کرد.

۲۹۰) ۳) یکی از اقدامات مهم و مؤثر فیلسوفان، دقت در مفاهیم

عامیانه و نقد و تصحیح یا تعمیق آن‌ها بوده است.

۲۹۱) ۱) به جملات بامعنایی که درباره چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم

درباره صدق یا کذب آن‌ها سخن بگوییم، قضیه می‌گویند.

۲۹۲) ۱) هیچ‌کس جز علی (ع) فاتح خیبر نیست = علی (ع) فاتح

خیبر است = شخصیه است، چون موضوع جزئی دارد.

۲۹۳) ۳) سور جزئی = محصوره / موضوع جزئی = شخصیه

۲۹۴) ۲) دل بر کسی میند که دل بسته تو نیست = اگر کسی دل بسته

تو نیست، به او دل میند = شرطی

۲۹۵) ۱) هر = سور / گردی = موضوع / گردو = محمول / نیست = نسبت

۲۹۶) ۱) برای تشخیص صدق یا کذب یک قضیه باید آن را از جهت

مطابقت با واقع بررسی کرد.

۲۹۷) ۱) هدف از منطق جلوگیری از خطای اندیشه است، این یعنی

منطق صرفاً موضوعاتی را بررسی می‌کند که خطاپذیر باشند و خطا در حوزه

قضایا در تشخیص صدق و کذب اتفاق می‌افتد.

۲۹۸) ۳) قضیه باید یک جمله خبری بامعنی باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها؛

۱) معنا ندارد که یک کشور پایتخت یک کشور دیگر باشد.

۲) معنا ندارد که یک شهر پایتخت یک شهر دیگر باشد.

۴) معنا ندارد که یک شهر پایتخت یک استان باشد.

۲۹۹) ۲) قضیه‌ای که به افراد یک مجموعه (چه محدود چه نامحدود)

نسبتی می‌دهد، یک قضیه محصوره است که می‌تواند موجه یا سالبه و کلی

یا جزئی باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها؛

۱ و ۳) در قضایای شرطی به اتصال یا انفصال دو نسبت حکم می‌شود.

۴) اگر فردا باران بیارد حکمی را بیان نکرده، لذا قضیه نیست.

۳۰۱) ۳) محتوای شناخت و معرفت می‌تواند بدیهی یا غیربدیهی

باشد.

۳۰۲) ۱) از آن‌جا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و

پدیده‌های دیگر باور داشته و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی بشر در کسب

معرفت تلقی نمی‌کرده، شناخت و معرفت خود را همواره افزایش داده است.

۳۰۳) ۲) پیشرفت‌های علمی نشان می‌دهد که انسان توانایی شناخت

جهان پیرامون خود را دارد.

۳۰۴) ۲) شناخت یک امر بدیهی است و همه نسبت به آن آگاه هستند،

اگر هم کسی معنای شناخت را نداند با گفتن معادل نسبت به آن آگاه خواهد

شد.

۳۰۵) ۲) معرفت‌شناسی درباره شناخت پرسش‌های بنیادینی مطرح

می‌کند که پاسخ آن صرفاً باید عقلانی باشد.

۳۰۶) ۱) شناخت عقلی بدون کمک تجربه است. (رد گزینه‌های (۲) و

(۴))

قولین طبیعت را می‌توان با شناخت تجربی به دست آورد. (رد گزینه‌های (۳)

و (۴))

۳۰۷) ۳) همین که ما این سؤال را می‌خوانیم نشان می‌دهد که

معرفت‌های بسیاری را ما وجود دارد.

۳۰۸) ۴) این‌که در زندگی روزمره اعمالی را انجام می‌دهیم، حاکی از بدیهی

بودن امکان شناخت است، چون بدون شناخت نمی‌توان به ساحت عمل رسید.

۳۰۹) ۴) اصل شناخت در انسان حسی و عقلانی نیست، بلکه حس و

عقل ابزار شناخت هستند.

۳۱۰) ۱) شک می‌کنم پس هستم، یعنی گرفتار تناقض شکاک

واقعی نشدن، یعنی می‌گوید چون شکاک هستم پس هستم.

روان‌شناسی

۳۱۱) ۳) الف) مرحله (۱) بارش مغزی ← تعریف مسئله ← تعیین

موضوع کاغذ دیواری

ب) مرحله (۳) بارش مغزی ← ارائه معیارهایی برای داوری ← پذیرفته شدن

موضوعاتی که پیرامون موضوع آلودگی هوا هستند.



۲۲۰ ۴ بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) ناتوانی در حل مسئله، وضعیت عاطفی ناخوشایندی را ایجاد می‌کند که «ناکامی» نام دارد.
- (۲) بسیاری از افرادی که احساس شکست می‌کنند، مشکلات عاطفی جدی ندارند.
- (۳) ناکامی باعث پرخاشگری می‌شود.

۲ ۳۱۲ گزینه (۲) مربوط به علوم انسانی است پس ← «بد تعریف‌شده» است ← به همین دلیل پیچیده است و حل آن دشوار است (بد تعریف‌شده به معنای پیچیده بودن و دشواری حل مسئله است). مسائل بیان‌شده در سایر گزینه‌ها مربوط به علوم دیگر هستند و دلایل و پاسخ‌های تقریباً مشخصی دارند.

۱ ۳۱۳ در گزینه (۱) زهرها از روش کاهش تفاوت وضعیت موجود با وضعیت مطلوب برای حل مسئله برج هانوی استفاده کرده است که روشی اکتشافی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) انتخاب مکان برای رفتن به اردو، براساس نیازسنجی دانش‌آموزان بوده است ← روش تحلیلی
- (۳) آماده کردن وسایل سفر بعد از موافقت همسر، مبتنی بر قواعد منطقی و محاسبات ذهنی بوده است ← روش تحلیلی
- (۴) خرید کادو توسط امیر برای مادرش، مبتنی بر نیازسنجی و قواعد منطقی بوده است ← روش تحلیلی

۴ ۳۱۴ عدم شناسایی دقیق توانمندی‌ها، باعث استفاده از راه‌حل‌های غیرمنطقی می‌شود. این موضوع به محدود بودن توانمندی‌های ما در هنگام مواجهه با مسئله و حل آن مربوط است.

۳ ۳۱۵ مهم‌ترین دلیل عدم موفقیت برخی افراد در حل مسئله، پیروی صرف از تجارب گذشته است.

بن‌بست در حل مسئله زمانی ایجاد می‌شود که حل‌کننده مسئله با نگاه فعلی قادر به حل آن مسئله نباشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) اثر تجربه گذشته، همیشه آسان کردن راه‌حل نیست - درست
- (۲) درست - درست
- (۴) نادرست - درست

۲ ۳۱۶ مرحله (۲) حل مسئله ← به کارگیری راه‌حل مناسب برای حل مسئله ← مثل ← مطالعه خردخرد یا تمرین مکرر

مرحله (۳) حل مسئله ← ارزیابی راه‌حل ← مقایسه نمرات بعد و قبل به کارگیری روش مناسب

۴ ۳۱۷ تفاوت در گزینه (۱)، استفاده از روش شروع از آخر (روش اکتشافی حل مسئله) در گزینه (۲) و تردید در جهت انتخاب رشته تحصیلی که نشان‌دهنده تردید در تصمیم‌گیری است در گزینه (۳) نشان‌دهنده فعالیت‌های مربوط به تفکر هستند.

۲ ۳۱۸ اثر نهفتگی ← اثر نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی مشخص

نادیده گرفتن حل مسئله برای مدتی کوتاه (اثر نهفتگی) از دبرباز سنت معمول حکما و دانشمندان بوده است.

۱ ۳۱۹ روش شیر یا خط جزء روش‌های اکتشافی حل مسئله است که با خطا مواجه بوده و تابع نظر و احساس شخصی است.

روش‌های اکتشافی نیاز به پردازش عمیق اطلاعات ندارند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۲) درست - نادرست
- (۴) درست - درست
- (۳) نادرست - درست